

قطر مقصود شان خود برستی و رسیدن بوزارت و
ولفت و ایس است و ایس !!

(لزوم استخدام مستشارهای خارجه)

(بشرطها و شروطها)

بحکم این مقدمه و احتجاجات قاطعه اول چیزیکه
برای عودت صحت و قدرت بدن مملکت ایران لازم
است استخدام مردمان کافی عالم و عامل از مشاهیر
اروپا است بسمت مستشاری برای اصلاح و تاسیس
انتظام اعضای ریسه مملکت که ادارات دولتی باشند،
بعد از اینکه اساس انتظام ادارات بر پایه محکمی
گذاشته شد و روح انتظام در تمام عروق و اعصاب
مملکت جریان یافت و ایرانیان از آن اشخاص و
معلمین علم و تجربت و درستکاری آموختند و خود
قابل تکفل امورات ادارات شدند از این اشخاص
مستفی میشویم (چنانچه ژابونیا کاملاً و غنای ما
تا درجه همین وسائل خود را مستفی نموده اند)
استخدام مستشارها وقتی مفید می افتد که چند
شرط را ملحوظ بداریم - اول اینکه باین اشخاص
قوه اجراییه بدهیم که هر اصلاحی را که لازم دانند
بدون اغراض فاسده و احتیاط ایرانی گری بوقع
اجری بگذارند و الا اگر برای وزیرین نظیر بگذاریم
که بر حسب خیالات نیش غولی و مقتضیات بخارات
آتش کشکی و مسی بدبختان و بی خوابی شب دوشین
در کارها دخل و تصرف نماید یک بول سیاه وجود
مستشارها نمری نخواهد داشت ، بول هنگفتی بآنها
داده باز همان آتش و همان کاسه خواهد بود ، (چنانچه
بسیاری از معلمین و معاونین تا کنون از خارجه
بایران جلب شده خیالاتشان در جلب خرافات وزراء
و رؤسای ادارات خویش مهمل مانده است)

دیگر اینکه این مستشارها باید از ملل بزرگ
باشند ، زیرا که ملل کوچک یا در تحت نفوذ روس
اند یا انگلیس ، و روس و انگلیس محض اینکه
خیالات خود را در ایران اجری نمایند آن اشخاص
را بوسائل دولتشان یا وسائل مستقیمه مطیع اوامر
خود مینمایند ، چنانکه (میسونوز) را دیدیم که
نوکر روس شده بود ! ولی اگر آن اشخاص از
ملل بزرگ باشند نه دولتشان ملاحظه از دولتین
خواهد داشت و نه شرف شخصی بآنها اجازه از
تأثر نهدید یا تطیع دولتین میدهد ! دو قاعده بزرگ

غیر مستقیمه هم از وجود این اشخاص میتوانیم بیچیم
اولاً با وجود تکفل آنها بامور ادارات اگر
دولتین همسایه بخواهند مداخله در امورات ادارات
راجع بآنها نمایند که بالطبع مایه چرکینی نام و هدر
زحمت آنها است خود آنها مدعی دولت مغل میشوند
و دول و ملل خود را بشور و هیجان بر ضد آن
دولت مغل می آورند ، و ملل بزرگ فرنگ را بر
ضدیت او وا میدارند و جرئت مداخله برای او
نمی گذارند و مقصودی را که ما میخواهیم با آه و
ناله و روضه خوانی تحصیل نایم و ممکن نمیشود و
نخواهد شد در استخدام آن مستشارها در کمال
سهوات حاصل میکنیم !

ثانیاً ملل آزادی خواه فرنگ بخصوص انگلیس
هم که فعلاً از ملاحظه کفتارهای بی کردار ایرانیان
در این یک سال یأس بهم رسانده و عقیده شان بر
این شده که ملت ما هم قصد اصلاح و ترقی ندارند
و منظور شان مثل اسلافشان پیش بردن هواجس
فسانی است از مشاهده این حجت قوی (یعنی در
سر کار بودن مستشارها) در خلوص نیت ایرانیان
همه آن ملل همدرد و همراه می شوند ، و در مخالفت
مداخلات روس یک صدا برمیخیزند و روس را بحال
مقاومت نمی ماند ، و همراهی اسکار طامه را (که
بعض از وکلای مجلس سوراخ دعا را کم کرده از
وزیر امور خارجه مطالبه می کنند) به این طریق
صحیح تحصیل میکنند ! و این ادعائی است که تمام خیر
خواهان ایران در اروپا می کنند و حاضرید بمقام
مشاهده و معاینه بیاورید نه فقط خیالی است که در
کله تواید شده بقلم آورده میشود .

اگر برای تمام اداراتهم مستشار نخواهیم بیاوریم
و فقط بهان ادارات عدایه و مالیه و نظییه و ژاندرمرس
قناعت کنیم در حصول منظورات مکتفی خواهد بود

(از دو اقدام دیگر ناچاریم)

عودت صحت و انتظام بحال اعضای ریسه بدن
مملکت و رفع تجاوزات و گریه رقصانی مایه
همسایه را بوسیله این مستشارها و حکمای حاذق
با شروط مذکوره باید تحصیل نایم و برای بقای
صلح و اتحاد و عدل و مساواتهم که سقوب استقلال
مملکت را بمنزله چهار استوانه اند از دو کار بزرگ
دیگر ناچاریم و اگر از این دو کار غفلت کنیم یا

جانب آنها را مهمل بداریم هر انظام و قدرتی که بعمل بیآوریم هر آن ممکن است که بدل باختلال و ضعف و استهلاک مملکت شود. این دو کار بزرگ یکی استقرار و افتتاح مجلس سنا است. دیگری پاک ساختن ادارات ملق و دولتی از جاسوسان و سبزی پاک کنان سفارتین.

(مجلس سنا)

اما استقرار مجلس سنا - در تمام ممالک عالم جنس بی آدر بر دوتیره منقسم است - طبقه عالی و طبقه دانی - و بنیوت و وضوح در قرون سائله رسیده که هر وقت یکی از این دو طبقه را تسلط و قدرت تام در مملکتی حاصل شده سی در تجاوز بحقوق و فرمانرمانی طبقه دیگر نموده و آت طبقه را در شکنجه و ظلم نگه داشته، یا اینکه اختلاف و مخاصمه بین دو طبقه مایه ضعف مملکت و موجب فرصت مداخله و تسلط برای ملل همسایه شده، پس وفق میشود حقوق هر دو طبقه را معادل و تمام طبقات را از ظلم محفوظ و مملکت را از خطر اختلاف و تسلط و تصرف دشمنان مصون داشت که دو مجلس باشد که در هر یک از آن مجالس نمایندگان یکی از آن طبقات حافظ حقوق طبقه مربوطه خود و مراقب افعال و ناظر اعمال مجلس دیگر باشد. (لورد روزبری) که از سیاسیون بنام و عقلای انگلیسان است و سالها رئیس دسته لیبرال و صدر اعظم انگلستان بود در مطلق خود که در حین مخاصمه بین مجلس اعیان و مجلس وکلای انگلیس کرد گفت « فقط مجلس اعیان جزء لاینفک و نسق توسیون انگلیس است بلکه بقای اعتدال میزان قوای مملکت و استدامات صلح و مواسات و اجتناب از خطرات و مناسد غیر مترقبه بسته بوجود مجلس اعیان است» در صورتیکه سیاسی دان اول و اعقل ملت متمدن برین ممالک اروپا که قریب هفتصد سال است دولت پارلمانی دارد استبقای مواسات و میزان قوای مملکت و اجتناب از محذورات را بسته بوجود مجلس سنا مأمأ بداند و تمام اروپا تقریباً در این طریقه و عقیده باشند، پس چه خواهد بود حال مملکتی مثل ایران که تازه سکور کورانه براه مشروطیت افتاده و رقابت بین دو طبقه در نهایت شدت است.

در اینصورت بر ذمه تمام عقلای وطن پرست بی طرف متعتم است تلاش در استقرار مجلس سنا در ایران نماید.

(جاسوسان سفارتین)

اما جاسوسان - برای بقای صلح و اجتناب از تولید فساد ناگهانی و وصول سر ملت و دولت مسماع بیگانگان پاک ساختن ادارات دولتی و ملتی از مکروب وجود جاسوسان و سبزی پاک کنان سفارتین که مانند مکروب برشته درخت استقلال مملکت افتاده بفساد و متلانی ساختن آن مشغول اند از تکالیف اولیه ملت و دولت ایران است، زیرا که نقشه هر اندامی که در کله اولیای امور در استحکام و استقلال مملکت و سد طرق تجاوزات و بر انداختن نفوذ دولتی بگذرد چون آن اشخاص در لباس وطن پرستی و مشروطه خواهی در تمام ادارات راه پیدا کرده و محرم سرار واقع شده اند فی الفور مطلع شده بسفارتین خبر میدهند و آنها هم در سد طریق پیش رفت آن نقشه و مایه آن هر گونه اقدام مینمایند، چنانکه در مسئله استقراض از آلمان مشاهده شد، بدون اینکه قدمی و دمی یکی از اولیای امور در این راه زند و بردارد فی الفور سفارتین طالی را شورانند و از دول خود پروتست نامه آوردند و تعهدات از دولت بر عدم خیال چنین اقدامی خواستند و گفتند که باری از وزراء که این قبیل خیالات را در کله خود راه بدهند باید در کابینه نباشند و و، چرا باید رضاً هم خیالی در کله یک با دوزخ از کار گذاران دولت بگذرد سفارتین بشنوند؟ جز بواسطه جاسوس چگونه میتوانند بخیالات بی بربند و خود (سید روت) بعد از مراجعتش به اروپا قسم میبخورد که با هیچکس از وزراء و وکلا در آنخصوصات کله حرف نزده بود و جز ملاحظه و راپورت اوضاع ایران قصد و ماموریتی نداشت، و هكذا نظائر!

همچنین این جاسوسان و سبزی پاک کنان بر حسب ماموریت خود مراقب و مواظب اند که هر آن آثار اتحاد و اتعاق در بین وزرا و وکلا به بینند و مملکت را رو بآرامی مشاهده کنند و راه هر قسم بهانه را برای توقف قشون روس مسدود دارند بنای دم و افسون گذاشته با حدات اختلاف

و نفاق تواید فتنه و فساد نمایند و خودشانم
 باروبائیان با رنگ و روغن تمام اطلاع بدهند این
 است که می بینیم هر وقت اندک آرامی درایران
 رو داده و روزنامه های اروپا ایراد بر مانند قشون
 روس گرفته اند فی الفور متوالی آن روزنامه های
 انگلیس و روس بر از اخبار تلغرافی از طهران
 میشود که اختلاف بین وزراء افتاده و کابینه استعفا
 داده و اهل مجلس دو تیره شده اند احتمال زدو
 خورد بین انقلابیون و اعتدالیون میرود و روس
 را بهانه جدید در امتداد توقف لشکر خود بدست
 می آید

و این اشخاص دو قسم اند. بعضی مسامحتند
 که از کثرت دناات به یک نیم فلان وزیر مختار
 یا ساعت طلا و انگشتر الماس از هوش میروند و
 اسرار مملکت را برای نفع فوری بروز میدهند. قسم
 دیگر که عالی تر و با هوش تر اند (هوش که
 با عقل توأم نیست) ایران را بعقیده خود رفته
 میدانند، محض اینکه تریه برای آتیۀ خود کرده
 باشند بجهات مملکت تقدیم خدمتی بسفارتین میکنند
 و نانی برای آتیۀ خویش در وقت گرمی تنور می
 بزند، تاوقتی که ایرانش بحال مصر اقتد در تلافی
 خدمات آنها مشاغل و مناصب و مواجبهای هنگفت
 بدهند که بعیش و راحتی عمری بگذرانند، بیل از
 این قبیل خائنین در هر عصر بین هرملتی بوده و
 خواهد بود، خوشبخت ملتی که آنها را شناخت
 و خود و مملکت خود را از شر آنها محفوظ
 داشت، و بدبخت ملتی که بی به تلبیس و نیرنگ
 نبرده فریب شاولاتانی های آنها را خورده محرم
 اسرار و امورات و خیالات خود قرار دهد،
 دو لشکری که باهم مقابل شوند اگر یکی از آنها
 از تمام نقشهای حرکت دیگری هرروز مطلع شود
 و در بطلان و لغو ساختن آنها اقدام کند لشکر
 سر فاش شده هر قدر هم قوی باشد روی ظفر
 هرگز نخواهد دید تاچه رسد بر اینکه ضعیف هم
 باشد!

پس (در اینوقت که نابلیون و نادری ایران
 ندارد) باید باآوردن مستشارها باصلاح و انتظام
 ادارات مملکت کوشید و ایجاد عدالت و امنیت که
 منتج تواید اعتماد بین اهالی که اول اساس اتحاد

است نمود و باین وسیله جلب هراسی عقاید عامه
 ملل منمدنه اروپا کرد که وقایع تجاوزات متجاوزین
 باشد، و به برقراری مجلس سنا استدامت صلح
 و مساوات در داخله نمود و مملکت را از نفاق
 و جنگ خاسکی که مستجلب دخالت های خارجه است
 مصون داشت و به پاک ساختن ادارات ملتی و دولتی
 ازجاسوسان و سبزی پاک کنان سفارتین اسرار ملک
 و ملت را محفوظ و ملک را از فتنه و فساد ایمن داشت!

(غیب گوئی و انذار)

اگر ملت ایران سی کرد و توانست که صفات
 رذیله این الاریکگی و بوالهوسی و لئالی را از
 خود دور سازد و باجرای این (بروگرام) سهل
 ساده که در چیز قدرت اوست پردازد ممکن است
 باهمه تنگی وقت کشتی شکسته خود را بداحل نجاتی
 برساند، والا (زیاد هم نمیگویم) اگر چند ماهی
 هم این اوضاع موجود را امتداد بدهد کشتی شکسته
 خود را در بحر هولناک فنا دیده برطرف که زور
 آورد از نمره موجهای هایل کوهوار خواهد شنید
 (و لایحین مناس)

اشخاص از طایفه یهود که در بیت المقدس ورود
 غضب خدا را بر اهل یهود خبر داده و در کوجها
 فریاد (وای بر اهل یهود) میزدند و سنگ جفا
 میخورند تا اندازاتشان صورت وقوع یافت و شهرت
 پیغمبری یافتند کسانی بودند که از پلندیک عالم مطلع
 و از قدرت اهل (روم) و منظورواتشان در تسخیر
 بیت المقدس مستحضر و از جهل و غفلت و ضعف قوم
 خود و شیوع صفات مهلکه خود برستی در بین
 آنها عارف بوده قتل و غارت و تسخیر بیت المقدس
 را از نتایج حتمی آن دو مقدمه مسلمی میدانستند!
 در تاریخ است یکی از این پیغمبران هانت ماور
 فریاد میزد و کتک میخورد تاوقتی که قشون (روم)
 بیت المقدس را محاصره نمودند و بضررب سنگ منجنیق
 روم ها از پا در آمد! (فاعتبروا یا اولی الابصار)

قانون و دین

عمده چیزی که بر طبق و وفق سیاسیات
 بولتیکی در عالم لزوم و اهمیت گوی سبقت بر بوده
 هاما مسئله انفاذ حقایق مشروطیت است مبانی

اسلامیان، چه پس از آن همه آوازها که از آغاز رولسیون اسلامی تاحال برده گوش طالبان را درید و با سانهها و طبقات سبعة زمین رسید می بینم شرعیت مشروطیت ایران هنوز مطرح مذاکرات و موضوع مباحثات اغلب اهالی است تا چه رسد بوجوب و لزوم آن، و این مسئله بزرگترین حایق و بالاترین مانع برای پیشرفت خیالات سیاسی و مقاصد اقتصادی مصادر امور و وکلای جمهور تواند بود، اگرچه در این موقع شك و شبهه در حقانیت مشروطیت ایران گذشته از وجوب و لزوم **که** آفتاب گشته بسیار مورد تعجب و باعث رسوائی عموم ایرانیان است نزد ملل حبه عالم، اما چون جهالت و نادانی در وطن عزیز ما کسب عمومیت نموده تا دو قرن دیگر هنوز ناچاریم بدفع شهات و تلقین محضات این اساس مقدس تا زمانی **که** معارف در مملکت ما عمومی و اصول سعادت بخش یعنی بیداری و یگانگی و فداکاری رایج گردد و این گونه شبهات بی پایه و پایه از میان برطرف شود

امروزه دیانت اسلامی برای ایرانیان روح و جان هر سعادت و عزة المل هر نجات و ترقی بشار است، چه در سایه دیانت میتوان هر اصول سعادت بخش را میان ملت نادان رواج داد و بهر نجاتی آنان را قایم کرد، همچنانکه ملل حبه عالم بدین وسیله بمقامات منیبه و ترقیات رفیعه رسیدند و بسعادت ابدی و نجات همگانی نائل گشتند، اگر دیانت نبودی ملل عالم در رشته ترقی و تمدن داخل نشدی، بمقام منبع تنور نوسیدی، در سایه دیانت حسن آزادی طلبی ملل عالم بیدار شد در سایه دیانت حسن استقلال طلبی و وطن پرستی عالم بیدار شد، در سایه دیانت باصول سعادت بخش رسیدند دولت را با اساس و سلطنت را ملی و و و بطور کلی جام سعادت ابدی نوشیدند، چنانکه می بینیم ملل طیبیه دوچار بدترین بدبختیها و گرفتار پست ترین زندگانیها گشته عالی را با آتش نادان خود سوزانیده و بباد فنا دادند

بناء علیه باید نکته دقیقی در این باب بکار برد و تطایق این اساس مقدس را با دین اسلام

در قلوب صافیة ملت سپرد و بطائف الحیل اصول تمدن و روح سعادت را در بیسط اذهان ساده آنان گسترده، تا گذشته از نفرت آنان بر میل و رغبتشان افزوده جام سعادت ابدی نوشند و با یک شور ملی و غیرت اسلامی در تشدید و پاس این اساس کوشند، بلکه پس از عمر هزار ساله مشروطه باز هم در پاس داری این اساس سعادت بی نیاز از مراقبات ملیه **که** در سایه دیانت ریشه می بندد نخواهیم بود، چه دوات هماره طالب و جالب آزادی و خودسری است، و اگر لحظه ملت را غافل و آرام بیند خویشین را از قید مشروطیت رها خواهد کرده چه بسیار دول جمهوری که بواسطه بی حسی ملت برگشت بمشروطه و چه بسیار دول مشروطه **که** عودت باستبداد نمود، البته همان طور که در سایه مدسه دیانت ملت خواب بیدار و فداکار و مؤسس اساس نجات و سعادت گشتند و جز این وسیله راهی دیگر برای وصول باین سعادت ابدی تصور نمیشد همچنین پاس داری این اساس مقدس و تزیین شاخ و برگ و تکمیل نواقص آن جز در سایه دیانت وسیله دیگری نخواهد داشت، خاصه دیانت اسلامی که با این اساس مقدس یکروح در دو قالب یا بزبان دیگر (عبارت ناشی و فیضک واحد) است اما این مسئله مهمه و این نکته مدطحه کار هر کس نباشد در عهده روحانیینی است که علاوه بر اصلاحات وافیه در دین اسلام از سیاسیات کتونی و مقتضیات وقت اصلاحی کامل داشته باشد، از علم (دروا) و حقوق چه داخلی و چه بین المللی و شب آنها از خصوصی و عمومی اساسی و قانون اداره و از علوم اقتصادی مانند تروت و تجارت و صناعت و غیره آگاهی تام تمامی داشته باشد و کتابهای (**کود**) را دیده باشد با یک سلیقه وافی و اطلاع شافی این دو مسلک بزرگ را بهم ربط داده تطبیق نماید

گذشته از هر شئی این خادم راه ملت وزاده شهید راه آزادی و معدلت تا خوش حلالم دو عروق دوراث دارد فداکار خدمات جان نثارانه وطن عزیز خواهم بود (و من بشاه ابه فظالم) خون این خدمتگذار رنگه تو از خود آید

هشتاد ساله و آن فیلسوف زمانه که جان لذیذ را
نثار وطن مزیز نمود نخواهد بود

(خواهم شنید از حکای جهان بگوش)

(با موزیکان طالبان بانگ آفرین)

پیغمبر مطاع ما (ص) فرمود (اوصیکم بمقلین
عقل المعاش و عقل المعاد) فرمود سعادت بشر در
دو عقل است، اول عقل معاش یعنی تدبیر کافی در
آسایش همگانی و بزبان دیگر قانون است نگهبان
هیئت اجتماعی و حقوق ملیه که هیچ کس دست
تصدی بحقوق دیگری دراز نه نماید، و با یک دنیا
آسودگی در کار آسایش نامه خود باشند، دم عقل
معاد یعنی تدبیر کافی در استقباه مصالحی که ارزش
در آخرت ظاهر میشود، و آن در هر دینی منحصر
به شعبه از اعمال عبادی است، پس برای وصول
بسعادت نامه دو عقل لازم است، یکی عقل معاش
یعنی قانون، دیگری عقل معاد یعنی دین، و این هر دو
از هم جدا و رومی بهم دیگر ندارند باین معنی که نه
قانون ضامن صحت دین و نه دین ضامن صحت قانون
است، دین طریقه بنائی و خیاطی یا علم حنک و نامه
سازی و و بیان نمیکند، حوراک ما علف صحرا
باشد یا اطعمه گوناگون، بی پوشاک باشیم یا البسه
و شکارنگ پوشیم، بیاده و در سائن بادی مسافرت
کنیم یا سوار شند و فرو گشتی بخار شویم، در
مناره منزل کنیم یا در عمارت عالیه سکن بگیریم
و و هیچ کدام ضروری بدین و آئین ما نه میرساند
و همچنین قانون شک میانه دو و سه یا مبطالات
روزه را هرگز بیان نکند

و بالجمله قانون ضامن انتظام امور دنیا است
نه آخرت، و دین ضامن انتظام امور آخرتست
دنیا

این نکته متفق عموم ملل و ادیان است که
پیغمبری مبعوث نمیشود مگر برای تبلیغ دین و عقل
معاد بامت به برای آموختن قانون و عقل معاش،
چه آنچه محتاج به تبلیغ از جانب خدا است همانا
امور مخفیة غیبیه است، اما اموری که خود ملت از
عهده می برآیند و فقط راجع دنیا است قطعاً وظیفه
پیغمبر نخواهد بود، بل بعض خصوصیات معاش که
ربطی بمعاد دارد از وظیفه پیغمبر بوده و در آن
تبلیغ کامل فرموده و بطور کلی وظیفه پیغمبر عقل

اوربست که ربط بمعاد دارد و داخل در دین
است، اما عقل اموری که ربطی بمعاد
ندارد از وظیفه آن وجود مقدس خارج و داخل در
قانون است

اگرچه عقل معاش هم در نظر شارع اهمیت
فوق العاده دارد یعنی آن وجود مقدس خواهان است
که تا ممکن باشد آسایش مردم ام، مملکت اسلام
رو با بادی، تجارت آنان در ترقی قوای دولت
مستعد و رو گردد، چه در این صورت بهتر میتوانست
بمقصود رسید و جام سعادت اخروی نوشید
(ابی الله ان یجری الامور الا باسبابها) از انجمن
تا تو است توصیه و تاکید فرمود تا بجایکه عقل
معاش را مقدم داشت، اما چون عقل معاش از
وظیفه آن وجود مقدس خارج بود موکول بتدابیر
خود امت نمود که در آن کوشش کند و قانونی
برای آسایش دنیا وضع و تقنین نماید، بدین سبب
فقط با اشاره و ایما اکتفاء فرمود، برعکس دین که
تا ذره آخرین وی فروگذار فرمود و بر امت
کامل نمود

اگر خوب غور روی در ادیان ام کنیم می
یابیم که هیچ پیغمبری قدمی برنداشته مگر مقصود
دینی و معادی در آن بوده هیچ پیغمبری طریقه
عقل معاش و ابادی مملکت را بامت خود نیاموخته
هیچ صدمتی را بمردم یاد نداده مان بزی و نسایی
و لشکر آرائی و تجارت و و و را بقوم خود تعلیم
نکرده مگر بعضی خصوصیات اینها که راجع بدین
و معاد بوده و هر آنگاه در عقل معاش چیزی
فرموده از راه دین و پیغمبری نبوده

پس با آنکه ما در سایه دیانت مقدسه اسلامی
باشیم ما چاریم در امور دنیا بقانون که به برکت آن
امور معاش خود را تحت انتظام و ترقی آوریم
مملکت و وطن خود را آباد نمایم با آسایش همگانی
و سعادت ابدی نائل گردیم اما باید این قانون و
عقل معاش به هیچ وجه مخالفت با دیانت ما نداشته
باشد و ما را از سعادت اخروی باز ندارد، این
قانون بگوید برای ترقی وطن سلطنت ملی و دولت
با اداس لازم است، بگوید برای ابادی مملکت
بنک و کپان لازم است که پول ملک مانند خون
در عروق مملکت دوران زند و در هر جا بکار آید،

بگوید برای قوه دولت و تجارت شند و فر لازم است که اشرار داخله از سهولت حرکت قشون مرعوب شوند و اتمه ما بقیمت ارزان وارد خاک بیگانه گردد و سبب ازدیاد مشتری شود ، بگوید معارف در مملکت باید عمومی گردد تا ملت تماماً بیدار و فداکار شوند و بدین وسیله بسعادت تامه نائل گردند و از زبربار بیگانه بیرون و به بلایای آنان گرفتار نیسایند و و که هیچ ربطی بدین ندارد تا چه رسد به مخالفت آن، حال این قانون را فرسگی نوشته باشد یا مسلم ابدأ ضروری بدیانت ما نخواهد داشت این قانون سرمشق ملل مختلفه است که هر یک دینی مخالف دین دارند

این قانون گذشته از این که مداخلتی در دیانت ما ندارد دارای رابطه با هیچ دینی آزادیان عالم نیست سائر ملل هم در بابت معاد و دیانت خود تابع شرع و پیغمبر خود هستند فقط در امور دنیا و عقل معاش پای بند بقانون گشته اند ، این قانون را یک نفر نه صد هزار نفر پیش خود نمیتوانند اختراع کنند بلکه مرور زمان از روی تجربیات و وقایع تاریخی دول و ملل عالم کشف کرده اند و اقلایس از تجربه هزار کرور آدم و چهل نجاه دولت باین درجه رسیده ، بی فرقی که در میان است آن است که سائر ملل از شش قرن پیش ملتفت عقل معاش و کشف قانون شده زحمت فوق العاده را بخود گوارا ساخته بولهای سنگت بذل کرده جان نثار نموده تا باین نعمت بزرگ نائل آمده اند ، اما ماملت نادان با آنکه پیغمبر ما توصیه ها فرموده در خواب گران عقلت گرفتار و در فشار بودیم و از این سعادت عظمی دور افتادیم ، حال اگر بخوایم کار را از سر بگیریم شش قرن دیگر و آن بول سنگت لازم است تا بدرجه حالیه آمان برسیم و علاوه در این مدت از ترقیات آنان خواهیم عقب افتاد ، بالاخره هیچ وقت بدرجه آنان نخواهیم رسید و از این رو همیشه ذلیل بیگانه خواهیم بود

بالجمله امروزه نجات ابدی ما در همین قانون است که ربلمی بریدج یک از ادیان ندارد سعادت دائمی ما در همین قانون است که خدا و پیغمبر او

نهایت رضامندی از آن دارند امام ما میفرماید (لاتنظروا الا من قال انظروا الی ما قال) ما چه کار داریم که این قانون را فرسگی نوشته همین قدر که می بینیم استقلال و ترقی ما بسته بآن است و منافاتی با دیانت ما ندارد باید با یک دنیا شوق و رغبت دو دستی آن را بگیریم و نجات و سعادت خود را از آن تحصیل و دریافت نمایم (در خانه اگر کس است بکحرف بس است) محمد تقی نجل الشهد الرابع اعلى الله مقامه

حبل المتین

جناب مستطاب حجة الاسلام زاده آقای آقا شیخ محمد تقی مجتهد که جامع معقول و منقول و عارف بسیاسیات زمان میباشد در طریق مشروطه خواهی اقتفاء بمرحوم والد شان حجة الاسلام شهید رابع فرموده و خدمات نمایان بمشروطیت و دیانت حقه اسلام نموده اند و الحق میتوان گفت عارف بمعارف قدیم و جدید و دانا بسیاسیات امروزه اند و ما وجود ایشان را در فارس غنیمت دانسته خدمات شان را از صمیم قلب تشکر می گوئیم

سواد عربی و درخواست عدله

(از متهمین پلنتیکی است که بمجلس شورای)
(ملی تقدیم داشته و بری جلب توجه عموم)
(قانون خواهان طبع میشود)

مقام منبع مجلس شورای ملی شبدالله ارکانه روزنامه ایران نو شماره ۱۴۴ در ۱۶ صفر عنوان ذیل را نشر میکند

دعویسین پلنتیکی که چند عربی بدارالشورای کبری داده اند و به کسیون داخله رجوع شده بود بعد از تحقیقات و مذاکرات لازمه کسیون مذکور راجع به هشت نفری که بحکم هیئت مدیره قبل از اعلان عضو عمومی گرفتار شده اند قرار میدهد که حکم هیئت مدیره درباره آنها جاری شود

این اول دفعه است که در دنیا از یک دستگاه قانون مخالف انتظار یک حکم بی قانونی تصویب می شود و یک همچو قراری موجب خارج میگردد در حکومت منظمه هیچ حاکی در حقوق افراد تصویب و قرار دادی نمیتواند بکند مگر در شرع و قانون مملکت مدورکی بدست دهد .

در قانون اساسی اصل ۷۱ مرجع تمام تظلمات
هدیه است

هیئت مدیره چون يك حکومت موقتی بلوایی
بوده در حقیقت میتواند بدون مدرك قانونی
باستثناء قدرت بمیل افراد آن حکومت حکمی بدهد
ولی شرط اعظم اجرای آن حکم این بود که همان
قدرت در حال اختلال آن حکم را مجری باشد .
امروز چون ما می خواهیم به ملک زنده دنیا
بهبانیم که انتظام ما بر اختلال پیشی گرفته است
نمی توانیم قرار بدهیم که حکم هیئت مدیره مجری
شود در حالیکه هیچ مدرك قانونی ندارد بلکه اصل
(۱۴) قانون اساسی و روح شریعت اسلام هر دو را
مخروج میکنند .

چون شرع اسلام و قانون مملکت و حکم طبیعت
ما را ناچار از حفظ حقوق شخصی کرده است در
اثبات مظلومیت خودمان ناچار از اثبات عدم صحت
و ابطال حکم هیئت مدیره و قرار دادی که آن
حکم را تصویب کرده است هستیم با برهان عقل و
شرع و قانون امید است که وکلای بی غرض ملت
این رویه را بنظر اعتبـار گرفته یا باصطلاح این
(پروتست) را بحکم تصویب ثانوی در مجلس مقدس
قرائت فرموده که حقوق این چند نفر خادم وطن بعد
از هفت ماه مظلومیت محفوظ بماند .

اولاً اینکه می نویسد (بحکم هیئت مدیره)
بموجب اسناد کتبی مصادر امور هیئت مدیره به هیئت
اتفاق حکمی درباره این خادمان ملت نکرده اند بلکه
بعادت جاریه زمان بلوا يك صورتی بمیل اشخاص
نوشته شده و بدون تصدیق قطعی هیئت وزراء و
حکم کتبی محکمه در موقع اجرای گذاشتند ، برهانی
بالاتر از وضع حبس ما و واقعات واقعه بین حکومت
و بعضی افراد در مدت سه ماه نباید اقامه شود که
تمام افراد مملکت مطلع شدند

ثانیاً می نویسد (قبل از اعلان عفو عمومی)
این هم مغلطه است، عفو عمومی صورتش در (۱۲)
به جایگاه رفت و روز (۱۴) بجزراید داده شد و
روز (۱۵) نشر شد و گرفتاری ما روز (۱۴) شعبان
و بعد از اعلان عفو عمومی بوده چنانچه بعضی ها
نخواستند عفو عمومی شامل این خدام بی گناه ملت
شود شبانه بعضی را گرفتند .

ثالثاً حکمی را که يك هیئت بلوایی غیر منظم
مخالف قوانین جاریه مملکت بدهد يك حکومتی که در
حال اختلال نیست بصورت انتظام نمی تواند مجری
آن حکم شود .

تاکنون در تاریخ حقوق بشری يك همچو
قاعده ظالمانه واقع نشده است، محض تشریح مطلب دو
مثل میزنیم .

مثال ۱ - اگر يك حکومتی در وقت اختلال
حکم قتل عام داد و جماعتی از مردم بر حسب
ضرورت گریختند و کشته نشدند و بعد همان حکومت
صورت انتظام گرفت و مردم مراجعت کردند، آیا
حکومت می تواند بگوید چون شما از قتل عام سابق
گریخته اید باید کشته شوید ؟ - نمیتواند ! - چرا
که در این موقع حاکم قانون و انتظامست هر چه قانون
حکومت قانونی هم بگوید همان را می تواند بگوید !

مثال ۲ - جمعی را در حال اختلال بدون سند
قانونی و حکم محکمه گرفتند و بدین بلوا حکم قتل
دروازه آنها کردند و بعد از آنکه اختلال تبدیل
به انتظام شد و بی نصیری آنها را قانون مملکت
تصویب کرد آیا انتظام احزه میدهد که با عدم
ثبوت نصیر بحکم يك حکومت بلوایی جمعی بی گناه
کشته شوند ؟ - یقین نمی دهد ! - چرا ؟ - اگر
بدهد باز اختلال است نه انتظام !

و کله عالیله که بتواند حافظ مملکت باشد این است
که بگوئیم حکومت ما در تحت انتظام است نه محکوم
بمیل ارباب اختلال و بهمین جهت وزرای عظام که
حافظ انتظام بودند بحکم هیئت مدیره را اجرا
نکرده اند چون کسیون محترم حافظ قانون است
حکم نمی تواند قرار قطعی قرار دهد

هیئت مدیره را در عرف فنی يك حکومت
عرضی و بلوایی و غیر قانونی می گنند ، اثبات
این اسم مخالف قانون را درباره هیئت مدیره يك
دلیل می خواهد که انفصال او است، یعنی اگر
حکومت منظم بود منفصل نمی شد . این حکومت
هر چه معاملات خارجی کرده باشد صحیح و مدت
ناچار از قبول است دو معاملات داخلی آنچه بسند
قدرت اجرا کرده است صحیح و آنچه را که بدست
انتظام سپرده و منفصل شده است حکم آن بدست
انتظام و قانون است و هیچ انتظامی نمی گوید که

حکم غیر عادلانه ایام اختلال را که لکه منجات تاریخ
 هر مملکت را تشکیل میکند من حاضر برای اجرا هستم
 مسئله که خیلی قابل اعتنا است در عرف مملکت
 هاری این است که فرض میکنیم که حکومت مدبره
 وجود این هیئت را محل آسایش و اجراءات خود
 میدالست، بعد از انصال آن باید از هیئت وزرای
 عظام سؤال کرد که شا در باب این هیئت چه میگویند؟
 هخالت مجلس شورای ملی در باب این مسئله و قرار
 داد کیسیون محترم هر دو خارج از عرف جریان
 امور يك مشورت خانه است ا - چرا؟ اگر این
 مردم دارایی تصیرات قانونی هستند باید رجوع
 به محاکم عدلیه شود، و اگر تصیر قانونی ندارد و
 فقط بصرف میل اشخاص باید از حقوق وطنی خود
 محروم شوند - بصرف میل اشخاص باید هفت ماه
 هر مجلس بماند - بصرف میل اشخاص باید هفت
 ماده قانون اساسی درباره این هیئت ساکت بماند -
 بازم این وظیفه است که باید هیئت وزرا در عهد
 گیرند نه مجلس مقدس شورای ملی و کیسیون محترم -
 بلکه جواب بیفرضاة کیسیون محترم باید قانوناً این
 باشد که مجلس مقدس از وظیفه خود نمیتواند خارج
 شود، اگر بسند عرایض متظلمین یا صحیفة وزارت
 جلیله داخله قراری دادهاند خیلی تعجب است در
 عرف که قرار مخالف تصویب هیئت منظم و موافق
 حکم يك حکومت بلوائی باشد !!! -
 خانه - آیا « این لفظ تحقیقات » لازم را که
 کیسیون محترم می نویسند در حقوق افرادی استناد
 بکدام نص قانونی یا دینی می کنند که بدون حضور
 مدعی و طرح مدعا به حکمی از محکمه صادر شود
 که صلاحیت صدور آن حکم در آن محکمه موجود نیست
 بعد از رد حکم هیئت مدبره به قرار داد
 انتظام که حرف صحیح و سند قول انتظام این است
 در تاریخ سعادت بشری که من ناسخ احکام اختلال
 هستم، عرض میشود که ای وکلای فحشام تمام ملت
 چشم امید بآن بنای سعادت و امنای امت دوخته اند
 اگر بنا شود که در این قبه شرافت میل اشخاص
 مخالف اصول قانون حکومت کنند موجب یأس عمومی
 خواهد بود .
 این ماه هتم است که ما مخالف قوانین مملکتی
 از اصل هتم تا اصل ۱۴ بدست عذاب و شکنجه

هستیم و از گناه خود اطلاع نداریم اگر این خدمات
 هفت ماهه را برای ما چند نفر مظلوم کافی می دانید
 بحکم وظیفه از مجرای قانون استخلاص ما را از وزرا
 تقاضا کنید و اگر انصاف شا با این خواهش همراهی
 نمی کند ما را بدست عدالت بدهید، هیئت منصف از
 علما و اعیان و تجار بیفرض در عدلیه تشکیل شود
 اگر ما خیانت به مملکت کرده ایم مجازات کنند و
 اگر خدمت کرده ایم مکافات دهند

ما نریاد میکنیم که ما از برای محاکمه حاضریم
 و بعد از حکم عدالت هر حکمی را دربار ما
 تصویب دهید مخالف عدالت است و ما قدر سهم
 خود راضی نیستیم که حقوق ما بمیل اشخاص ضایع
 شود عدالت حاکم است و بس !!!

میرزا آقای مجاهد اصفهانی - رضا - معین العلماء
 اصفهانی - میرزا عبدالمطلب بزندی -

حبل المتین

این ورقه مطبوع با خطی مخصوص با اداره
 رسید، ما ورقه مطبوع را طبع نموده مصمم بودیم
 که رای خویش را در ذیل آن بنگاریم که معلوم
 شد هیئت وزراء سابق صاحبان عرضداشت را
 مرخص نموده اند و از تلگرافات لندن ظاهر گردید
 که جماعتی از وکلا، خاصه وکلای آذربایجان زاید الوصف
 برخلاف وزراء در نجات آنان برخاسته و از
 خطوط محبت معلوم گردید که محبت محبوسین پلنکی
 مبنی بر حکم حضرتین آیتین خراسانی و مازندرانی
 بوده و وزراء بالاصاله اقدامی نکرده اند - چون
 فعلاً آن هیئت وزارت از میان رفته و محبوسین
 پلنکی هم محبت یافته اند و واقعات رنگ دیگر
 اختیار کرده ما رأی خود را در این موضوع
 محفوظ میداریم و از خداوند مسئلت میکنیم که
 قانین ملت ما را يك حس وطن خواهی و بیفرضی
 بخشند که این گونه مسائل جزئیه مایه اختلافات کلی
 نگردد (اتم اصلاح کل فاسد من امور المسلمین)

واقعات جنوب

(يك بام و سه هوا یا از هر سری)

(يك صدا)

بناسبت فوت (ادوارد) پادشاه انگلیس و
 جلوس اعلیحضرت (جارج) در (پوشر)
 جنرال قونبول آندولت پوم جلوس پذیرائی و کشتی

(دنیا را آب بود مارا خواب برده است)
 شرحی را که روزنامه شریفه (ایرات نو)
 در صفحه (۳) شماره (۱۱۶) از (طمس)
 ترجمه کرده و نگارنده انگلیس شاه را نسبت بمردم
 (عربستان) بی گانه و روابط سرحد دار آنجا
 را با حکومت هند انگلیس صمیمانه بنداشته است
 بر فرض بگوئیم عقیده آزاد و خود آن انگلیس
 صاحب آن اعتقاد است ولی آیا نبرد مات مظلوم ایران
 بداند که دولت متبوعه او در این خصوصات چه
 عقیده دارد و در جلوگیری اینگونه احتمالات و
 و آنطور مقولات چه تدابیر می فرماید و درجه
 معلومات ایشان از آن حدود و غیر آن تا چه
 اندازه است؟ ما میگوئیم آن انگلیس بی ماخذ گفته و
 باوه گوئی کرده ولی باید تکذیب آنرا از انگلیس ها
 بخواهند ، انگلیس بکنار ، باید سرحددار خودمان
 هم تردید کند پس همان است که ایران را آب و
 مارا خواب برده است

(چشم باز و گوش باز و این عمی)

(حیرتم از چشم بندی خدا)

(تردید)

بموجب خبریکه به اداره رسید در قتل امین الملک
 نگارشات مارا بدین قسم تردید مینماید « امین الملک
 مقتول که در صفحه ۲۴ شماره (۱) نامه مقدسه مرقوم
 شده است از خانواده امین السلطان نیست ، وزیر است
 سابق و پسر وزیر بقایای قدیم که وزیر دربار بوده
 و وزیر افخم لقب دارد میباشد ، اداره حبل المتین
 ازین سهو کمال تأسف را دارد

بندر لشک

الهمین بلدی وسما تشکیل و فعلاً مشغول نموده
 ساختن بجهت درب خانها میباشد و زرع مخصوص
 به مهر بلدی به تمام نکانه تقسیم و وزن را صحیح
 نموده ، و در تهیه پاك کردن کوچها و نصب نمودن
 چراغها میباشد و ایب الحکومه همراهی مینماید ، تجار
 در خصوص تجارت و عقب اتساع تجارت لشک
 شرحی بطهران نوشته بودند حال بتوسط رئیس گمرک
 از ایشان خواسته اند که علت سکتة تجارت لشک
 از چه بابت میباشد ، چه شکل میل دارند گمرک
 بدهند خیالات خودشانرا همسایه ما دارند در کمال

(لارنس) انگلیس که غالباً مقیم بوشهر است صد
 و يك تیر شلیك و فرموده در قانون نبوده
 ارکان حرب (اتمازور) یا امیرالبحر (امیرال)
 که ببارت واضح تر به گفته صاحب منصبان بی علم
 سرباز و توپچی های برهنه و قایقچی های از همه
 چیز بی نصیب باشد مثل آنکه گویا کشتی جهدی
 وارد شده و برای آنها توپ سلام زده است و
 بایستی رد جواب کنند بهمان عده شلیك نموده اند
 و آنوقع در (عمره) ویس قونسول آنها ابدأ
 پذیرائی نکرده است و دربندر (ناصری) بمخواست
 ویس قونسول آنجا روز دفن پادشاه ملوفی به سنین
 عمر او حکومت فرمان شصت و هشت تیر شلیك داده
 است در این صورت عنوان فوق که يك بام و سه
 هوا یا از هر سری يك صدا را باید گشت بجاست
 (معاونین وزارتخانه ها و وزارتخانه های)

(ایران یا باعث خرابی خانان)

چون دولت ایران حالا طی دوره تجدید میکند
 این است که همه روزه چیز جدیدی شنیده و دیده
 میشود که منجمله معاونین وزارتخانه ها است ، مثلاً
 شنیده ایم وزارتخارج انگلیس معاونی دارد البته لازم
 است وزارتخارج ایران هم معاون داشته باشد نهایت
 يك که از دعان معاون وزارتخارج انگلیس خارج
 میگردد حاوی هراران مصالح مملکتی و دقائق پلنگی
 است و فوراً بواسطه تلگرافات همومی در تمام دنیا
 نثر و در جرابد طرح و مورد تمجید میشود و
 برعکس نطق معاون وزارتخارج ایران از قبیل
 ماده مقرری جنرال قونسول (هندوستان) محل
 طمن و تقبیح کردد دو نظر ما عیب و قبیح ندارد
 سهل است آن معاون که مرحوم شود همان جنرال
 قونسول کذائی باید قایم مقام او کردد که روح
 ایشان شاد و بیشتر حقوق ایران بر باد شود ، همچنین
 از آنجا که بنای جمهور امور به بی علمی و بی تربیتی
 است چه ضرر دارد معاون وزارت داخله که بی
 اطلاع از قانون نظامی است معاون وزارت جنگ
 گردد یا از بواقص چه نقص میرساند کسیکه از
 عهده بست و تلگراف نیامده است وزیر عدلیه
 باشد ، خانان ایران ویران شود از این چند نفر که
 آبادات میشوند

عجله مملکت را صاحب میشوند. تمام مشایخ بنادر شبکوه و جزایر را مطیع اوامر خود نموده و ابداً اعتناء بدوات ایران ندارند. این وضع با سید و این جہازات جنگی که همه روزه در بنادر شبکوه در گردش و خود را جلوه میدهند و با خواب و مأمورین ما مرعوب که آب بدون اجازه ایشان نمی خوردن انسان نمیداند از کدام درد بنالد. تمام حفره و سه فرقه شدن و نفاق ما از دست خارجی است که ما مردمان عوام رجان هم افتاده و غافل میشویم. اگر بگذارند در تنگه بزودی اداره جات مثل بلدی و غیره صورت میگیرد. خداوند انصافی و هوشیاری ملت ایران بدهد که اتحادی نمایند و خود را از جنگال این گروگان مودی خلاص کنند. تجار رای شان بر این است که گمرک را در تنگه صدی پنج قرار دهند و بجهت جلوگیری از مال التجاره قاچاق منقش مخصوص در بستک و در لار بگذارند و مسئول حکومت آبخارا قرار دهند. مثلاً جزیره قیس و چارک باید حکومت قانون و در تحت امر حکومت تنگه باشد که اعراب و مشایخ خودسر نشوند. این فاصیل نوشته و حاضر کرده اند که رأساً بطهران بخبر نمایند و بنویسند تا چه اقدام شود. قاصد بست چارک و قیس و غیره هم موقوف شده. جمیع خطوط را با جہازات بادی میفرستند. در دوی هم تازه گمرک مقرر داشته اند صدی دو. افسوس که ما از اعراب هم کمتر شدیم. خیلی جای ناس است بجهت دولت ایران که از مسقط هم کمتر باشد.

البته از وقایع بنادر هموماً بندر عباس خصوصاً خاطر مبارک مستحضر شده یقین است وقایع نگار محترم آن اداره مقدس از جزئی و کلی اطلاع داده است همین در عرض میکنم تا آنکه اداره جات از عدلیه و نظمی و بلدی در بنادر تشکیک نشود حال بنادر بهمین قرار باقی است. بندر بوشهر که مرکز تمام بنادر است بکلی دارای هیچ اداره نیست حتی انجمن ولایتی را از میان برداشتنند عملاً بهزار زحمت و فضیحت در بندر تنگه در شهر جدای الاول تشکیک یک انجمن بلدی شده و هر هفته روزهای دوشنبه مشغول کار هستند. اگرچه از بی علمی و نظیفه و کار خود را میداند ولی خوب

است. انشا الله تعالی خوب تر و بهتر خواهد شد. چند تلگراف هم بطهران بخبر شده است بجهت فرستادن یک نفر آدم کار دان قانونی بواسطه اداره بلدی تا اکنون بکلی جواب نرسیده. مدتی است می شنوم که چند نفر رؤسای ادارات از طهران جبهه بنادر بیرون آمده اند و تلگراف بخارج آنها هم به دربارگی حکمران بنادر شده است بکلی خبری و ابری از آنها نیست که آیا در کجا وجه محل هستند. همین قدر عرض میکنم که اولیای امور به بنادر توجه ندارند. هرگاه توجه داشتند تا حال تمام ادارات تشکیل شده بود و حال آنکه تشکیل ادارات در بنادر هیچ خرجی و هیچ قوه لازم ندارد. مردمان بنادر و جزایر همه در بی علمی با هم شریک و سهیم هستند و مزیتی که نسبت بهم دارند فقط باندازه معمول آنها است که هر کس دارای اندک مکتبی است بهمان جبهه خودش را نسبت بدیگران ممتازتر میداند. امتیاز فضل بالمره در میان نیست.

بهر حال میدادم از خرابی بنادر عرض کنم یا از وضع بی صاحی خلیج بلوچستان و مکران الی بپور و سراوان. از قرار خطوطی که در این هفته رسیده هر تنگه مکران و سراوان را یکی از سردار های بلوچ و کدخدایان تصرف کرده و باندازه خود شایسته قوه تدارک کرده اند متصلاً همسایه جنوبی هم مأمورین خود را با هم اینک افغانان با تنگه داخل نشوند در داخل بلوچستان ملاقات به سردارها میکنند. قلمه ناصری بپور را هم بلوچ ها به تصرف خود آورده اند. با احوال بلوچستان را بحالت امروزی خود گذاردن چه نتیجه خواهد بخشیده. چرا باید ترک بلوچستان را به نمایند. مخصوصاً هر هفته جمعی از ولس خواهان با مشورت یکدیگر حالات سرحدات را به مراکز اطلاع میدهند و بکلی نتیجه نمی بخشند. مقصود این است بلوچستان چند سال است بی حاکم مانده.

آیا در این مدت مهلت برای اقدامات وزراء محترم در قیام امنیت کافی نبوده؟ گمان نه میکنم که در طهران از وضع سرحدات جنوب ایران بخوبی مطلع باشند باوجود آنکه راپورت های سری و علنی به مراکز مینویسند شاید ملاحظه نمی فرمایند. هرگاه ملاحظه میفرمودند تا حال کسی را فقط جبهه

معدن نادر و جزایر معین کرده و فرستاده بودند ، یا جزیره هرموز و لارک را اداره کرده ، اینکه دیگر خرجی و توبی و سربازی لازم نداشت

باوجود این همه راپورتها که در قمره نکل معدن (خبر) خیرخواهان داده اند که از سابق دزدان بی شرف و بی ناموس می بردند و میخورند يك مأمور مخصوص روانه نکردند ، چنانچه بسیار حکام بندر عباس و تنگه آمدند و رفتند احدی اسی از این معدن ها بزبان نیاورد و راپورت نداد ، بر فرض که خودشان مانع داشتند ، میتوانستند دیگران را وادار نمایند ، بندر خیر تحت حکومت بندر عباسی است و باید توجه حکومت بندر عباسی بر آن باشد ، چقدر ها بردند از این معدن چنانچه يك نفر حاجی عبدالرحمن کاظم بستکی که حالا خودش را بروسها بسته يك قمره ۶۶۰ صندوق و يك قمره ۲۷ صندوق که هر صندوق ۲۰ من تبریز باشد و هر من تبریز چهار تومان فروخته و حل روسیه نموده است حالا هم موجودی در انبارش دارد . خواست حل نماید آقا میرزا محمود خان نائب الحکومه تنگه نگذاشت و ماشوه و منادیق را تصرف کرد ، بتازگی چند نفر در تنگه پیدا شده اند ظاهر و باطن در خرابی انجمن بلده هم میکوشند بلکه دست خارجه هم می توان گشت شان

شیراز

هر کسی روز بهی میطلبد از ایام

علت آست که هر روز بهی می بینم

اوصاع فارس را خیلی تیره و تار مینویسند که نزدیکت منکشف شود ، بی قوام فعلاً از کار خارج لاکن مثلی است مشهور « قیل زنده اش صد تومان مرده اش صد تومان قیمت دارد » مثل حصرات وقتی در کار بودند اسباب خرابی حالا هم خرابی که اتراک تا يك بلکه نیم فرسخی شهر را غارت کرده ، ایادی خارجه با انامل خصاب کرده خوش رنگ مشغول ایما و اشاره و خودیان را بخود مشغول و پیروار کرم زده جسد وقاب را میخوریم و مشبك مینائیم ، علی الطاهر قالب پیر لاکن بدام حشرات موزی اسیر و روح او را روده نابودش کرده اند ، ای وای چه خواب خرگوشی است که ما را گرفته بلکه صبح قیامت

هم بیدار نمی شویم چه خوب شعری است
بردند ذره ذره مه طلعتان دلم را
يك ذره دگر هست تا قسمت که باشد

از هر چه دو مانیم باید بگوئیم اللهم اصلح کل فاسد من امور المسلمین - در اینجا هم حرف است که آیا جزء مسلمین هستیم که خداوند امورمان را اصلاح کند یا نه ، مکرر عرض میشود فارس خراب بلکه بالاتر که جرئت گفتن نیست مگر دست غیبی پیدا شود و الا

هر که گریزد ز خراجات شاه

بار کش غول بیابان شود

آقا سید محمد را مافاق سوار های نصرالدوله بطرف بوشهر تبعید نمودند ولی معلوم نیست که بآب طرف رفته یا بحوالی شیراز در گردش است ، حکومت نقاط لازمه شهر را سر باز نشانیده مثل مدارس خان و هر روز اعلانی از اداره نظمیہ چاپ و شایع میشود که از مضامین آنها چنان استفاد میشود که ماقبت مردم بستوه آیند و در اعلانات خبر میدهند که با آلات ناربه شورشیان را متفرق میکنند ، روز گذشته سه اعلان زده بودند یکی - هر خانه باید ماعوار بدهد بجهت پاکیزگی شهره و يك نفر قاتل را که طفل بود و از اهل ارسنجان دیروز بدار زدند ، سه روز قبل راه زرقان را دزد زد قزاق رفت عقب دزد بدزد نرسیدند ، (شیخ بود) را جپو کرده آمدند ، هر روز راه زرقان را دزد میزند چنان پیر پیری جاری شده که حد و وصف ندارد ، شهرت دارد قوام الملک وارد شیراز شد شش روز بود انتظام الملک استقبال رفته و سه روز بود نصرالدوله در شهر بست میگوبند استقبال رفته قولی میگوبند بطرف بوشهر آمده قولی میگوبند در باغ نصریه که قونسل خانه روس است رفته و علت خارج شدن از نوکری دولت است

لار و سبجه را دادند بهطاءالدوله استعفا داد تا بعد چه شود ، ایلات خسه را میگوبند معین شده بدعند به امیر آقاخان که مدتی است پهلوی صولتالدوله رفته ، و نیز میگوبند نصرالدوله جلو قوام الملک رفت که از حکومت کرمان جدا استغفاء داده بیاید بشیراز شب جمعه وارد شد میگوبند که دو ژاندرنی خیال پاریس را دارند تا بعد چه شود

دزدی بسیار میشود ایالت يك نفر را بدار
زد و يك نفر را روز گذشته بتوب بست ،
اقتاده اند از هر خانه يك قرات بجهت تنظیف
شهر میگیرند ، رشوه خوب رواج دارد ،
قولل انگلیس مانع عزل دریایی از حکومت
بنادر شد ، اشرفی سکه نصر السلطه سپهبدار در شیراز
آمده است ، بستخانه را انجمن ابالی حکم کرده تخلیه
کنند و بجای دیگر برود اداره ها ، عدایه ، نظمیہ ،
امنیه ، اجرائیه ، جزائیہ ، نقدیه ، جنسیه ، ملکیه ،
جلدیہ ، تمام دائر است

بوشهر

انجمن ولایتی سابقاً مسبوق هستید که مرحوم
شد اولاً آقا سیداسدالله خرقانی و آقا میرزا حسین
جرمنی بواسطه مخالفت و معادلت و ضدیت با سایر
وکلاء از انجمن دوری جسته علناً میگشتند این انجمن
باطل است و بر ضد آنها اقدامت شد ، ثانیاً آقا
سید عبدالله بهمانی که رئیس انجمن بود بهمان ملاحظه
استغفاء نمود بعد از دو ماه دیگر شیخ محمد علی
آل عضور چون انجمن را منی دید بسمت عقبات
مسافرت نمود ، دو ماه تمام انجمن بسته گردید امروز
که حکومت وارد شد فوراً طبیب عیسوی اش گردیده
همان انجمن مرده را میخواست زنده نماید ، آقا میرزا
حسین جرمنی چون از معادات طرفی نه بست از در
اصلاح بیرون آمد و با طرف خود که باهم آب و
آتش بوده ساختند ، لذا چند یوم قبل بنابر
مواضعات سری انجمن منصفانه تشکیل یافت و جناب
آقا میرزا حسین ، مذکور گردید و عذرش پذیرفته
آمد و حال آنکه دو ماه قبل در همین محل بدستگیری
نایبالحکومه و امر طهران انجمن منصفانه تشکیل داد
و مصمم ابطال انجمن گردیده بود لیکن چون رقبایش
نکته را یافته بودند ظفره از حضور در انجمن رفتند
و بنا بخطوط ایشان در مواد قانون مجوزی رای
حضور خود در انجمن منصفانه که بحکم وزارت
داخله تشکیل یافته بود ندیده بودند ،

خلاصه در همین مجلس هم جناب آقا سید
عبدالله استغفائی خود را و گردانید ، زیرا که استغفای
ایشان معلل بشرط بود و قانوناً انا فقد الشرط
فقد الشرط بر این قصه گواهی صادق آمد ، بنابر این
مقدمات فعلاً چهار نفر از اعضاء سابق مهیا و عن

قرب انجمن ولایتی منعقد خواهد شد ، جناب آقا
سید اسدالله که یکی از اعضاء انجمن بود بیش از
این تاب تحمل تا ملایبات غیر مشروع نیارود ، احتمال
دارد این هفته با جناب کارگذار بسمت عراق
و بسیار گردد ، سید محمد داکتر که مدتها در ارتقاء
مقام اشتغال بمخدمات مهمه و در این چند ماه
اخیر مشغول خدمات کارگذاری بود بسمت نیابت
کارگذار برقرار خواهد شد ،

از حسن اهتمام کلانتر و پلیسها شهر در کمال
امنیت است فقط ماهی دو سه خانه بیشتر دزد نمیزند ،
و این قبیل دزدیها همیشه بوده است ، چندی قبل
در کاروانسرای حاجی رئیس يك صره دویت و بجای
توطی از يك نفر جاروادار بدبخت سرقت رفت
هرچند کلانتر تعاقب نمود پیدا نکرد لذا کلانتر یکصد
تومان متضرر و از کیسه خود غرامت داد بچاره
جاروادار هرچه فریاد میزد که ما در کاروانسرا منزل
نمیکنیم جبراً عملاً آنها را بکاروانسرا بضرع شلاق
پلیس آوردند يك نفر دادرس هم نیست از این جهت
جاروادار مظلوم از بوشهر تا شیراز هرگامی که بر
می دارد يك مری بصاحب کاروانسرا (که بچاره
برای رفاهیت عبادالله ساخته ولی از غفلت یا برای
مدخول باجله زور داری داده) میکنند

در خصوص ترکه مرحومه دختر شیخ چون
جناب آقا شیخ علی احکام متصدده از حجج اسلام
در صحت وصایت مشاوارتها و تحمیل املاک او
بوصیتش آقا شیخ علی آورده بود حکمران
بزرگ امر تخلیه املاک و سپردن بایشان صادر نمود
گویا از طرف قوسول خانه انگلیس به دریایی
پیغام داده اند که چند ماهی دیگر وراثت را
مهلت دهد تا پس از حضور و اقدام ایشان حق
هر طرف که باشد معمول گردد

از کربلا

روز پنجشنبه ۸ جمادی الثانی جناب مستعاب آقای
حاجی میرزاهاشم آقا صاحب اسفهان مقام کلکته بسلامتی
وارد ونایل بدو ک فیض زیارت آستان مقدس حضرت
حسینی سلام الله علیه گردیدند ، تمام احرار و اعضاء
محترم انجمن مساوات کربلا در کمال اشتیاق باستقبال
و پذیرائی شتابان بودند ، بر حسب خواهش احرار در
باغ شمس الدوله در عمارتی که انجمن مقدس مساوات

وکن الدوله سید آقا کوچک که در زمان رولیسبیون سر دست و برای استطاق جلب بطهران شده بود دو روز قبل بمشهد آمد.

نگارنده موثق از طهران مینویسد: **بیشرفت هر کار علم و قدرت میخواهد.** و علم و قدرت هم رجال دانای توانا که جایش در وطن ما خالی است و اگر کم و بیش هم اشخاص با اطلاع فعال باشند بواسطه اکثریت اعضای فاسد مفلوج مصدر کاری نیستند و نمیگذارند آنها مصدرکار شوند، بباره دیگر هنوز رشته امور بدست اغراض شخصیه است و در این وقت **سکه** با نفوذ صد ساله روس و انگلیس در نهایت جدوجهد باید مدافعه کرد با نداشتن پول و اسباب کار و بودن این همه اغراض و تحریکات نه بلکه مداخلات سری و علنی دوهسایه (مگر دستی از عیب برون آید و کاری بکند)

روس و انگلیس ابرار را تقسیم کرده و برده و خورده تصور میکنند، در این حال بیرون آوردن این لقمه بزرگ از گلوئی آنها اگر هیچ اسباب نخواهد افتاد يك اتحاد و اتفاق فوق العاده میخواهد که جوی آنها خالی است، چیزی که اسباب امیدواری است فقط نفوذ کلمه مقدسه نجف اشرف است که متأسفانه آرام مفرضین از بس سوء استعمال کردند بالمره از اثر افتاده است اگر این سوء استعمالها شده بود امروز دو کله آنچه باید نوشته شود میشد، البته مؤثر میکشت، ولی افسوس که نگذارند و آنجا را هم از هیئت اولیه انداختند و اسباب دست برای اجرای مقاصد شخصیه قرار دادند

و اما حال مجلس مقدس در دوره سابقه چند نفر از وکلای تبریز بواسطه بی حالی و بی علمی سایر وکلا و قوت کله آذربایجان و اتصالات آنها بمبادی مجامدین فنقاز و بجبهات دیگر نفوذ کله نامه در مجلس حاصل کرده و جوی از متشنذین از ارباب نطق و قلم با آنها همراهی کردند و فعالیت در بعضی موارد بروز دادند، ولی چون اکثریت مجلس با آنها نبود شد آنچه شد، در این دوره باز بعضی از آنها همان نقشه سابق را بینه خواستند تعقیب کنند و زمام مهام امور را بدست قدرت نفوذ کلمه خود گیرند، در صورتیکه اقلیت مختصری داشتند و روابط خارج و داخلشان هم مثل سابق نبود و جوی از

منقذ میشود و جدا گانه از عمارت مکتب حسینی در وسط باغ بنا شده عز نزول اوزانی فرموده و منزل اختیار کردند و هر روز از طلوع تا ساعت سه و از نه تا غروب مشغول پذیرائی واردین اینک تمام احرار تبریک قدوم ایشان را گفته با تمام مسرت و خوشوقتی تبریک خود را تقدیم حضورشان میبایند. خداوند امثال معظمله را در نوع برستی و وطن خواهی زیاد فرماید

توضیح از سیستان

از آنجائیکه در شماره (۴۰) جریده مقدسه اسامی آقایانی که همراهی و اعانه بمدرسه خیریه سیستان کرده اند مندرج بود و اسامی شان صحیحاً درج نشده بود لذا لازم دیدم که بطور صحیح اسامی ایشانرا برض برسانم تا در نامه مقدس محض توضیح درج فرمائید

جناب امیر محمد رضا خان سرتیب زید اجلاله اساسیه بازده تومان، فرش برای اطافهای مدرسه و محل مدرسه، اعانه استمراری ماهی ۵ تومان و نیز در سالی چهل خروار گندم مرحمت فرمودند که شام و بهار با طفال بجای داده شود جناب آقای ملا محمد مهدی مجتهد دامت برکاته اساسیه ۵۰ تومان، اعانه استمراری ماهی پنج تومان، آقای سردار بردل خان اساسیه ده تومان، آقای میرزا قوشید خان اساسیه چهارده تومان، ماهانه یکتومان، آقای میرزا علیحان سرمنگ اساسیه پنج تومان ماهانه پنج قران، آقای میرزا صادق خان اساسیه شش تومان، ماهانه یکتومان، آقای میرزا عبدالحید خان اساسیه شش تومان، ماهانه یکتومان، آقای حاجی خان اساسیه سی و پنج قران، ماهانه پنج قران، آقای میرزا حسین خان اساسیه دو تومان، ماهانه هفت قران، آقای میرزا ابوالقاسم خان اساسیه ۱۰ قران، آقای میرزا اسمعیل خان اساسیه شش تومان، ماهانه یکتومان

مشهد

از اخبار تازه مشهد اینکه جناب وزیر مخصوص کاشی بابالت خراسان معین و تازه از طهران حرکت نموده اند، وکن الدوله همزول شد، دیروز تلگرافی از طهران برئیس نظمیه مشهد رسید که نهایت مراقبت بکاربرد که بواسطه عزول وکن الدوله بعضی از هرج و مرج طلبان آشوب نماینده، باغواهی

متنذین در هر سکا بر ضد آنها بودند، ولی معذک آنها از راه رسوخ در قوه اجرائیه بوسيله همخيال درست کردن برای خود در دوائر دولتی و تنقیب خسته خود اصرار و ابرام کردند و در هر کار باین وسيله خواستند دخالت کنند، از یکطرف اکثریت مجلس که غیر از اکثریت دوره اول بود با کمال جد مخالفت با آنها کرد، و از طرفی سپهبدار و سردار اسعد که علاوه بر مقام خود دارای قوه مجامدین و بختباری بودند ضدیت کردند، آنها هم برای خود يك دسته مجاهد درست کردند و کار بکشمکش در مجلس و در خارج افتاد، دو پارتن شدن وزراء بحرانهای پردویی کابینه، عنوانات تجاوز کارانه اجانب، تاخیر انتخاب سائر وکلای مجلس، پیشرفت نکردت امور دولت و ملت، همه مستند باین اسبابا بوده و هست، بی اگر وزیرای قابل طام عاقل داشتیم و کابینه از اکثریت انتخاب میشد البته این اقدامات را از اقلیت جلوگیری میکرد، ولی افسوس که وزیر نداریم سپهبدار اعظم مرد خوش بقی است، ولی معنی وزارت حکومت مشروطه را میداند و حقیقت مسئولیت کابینه را ادراک نمیکند و نصیر هم ندارد بحیال خود خوب میکند و بد میشود، سردار اسعد اطلاعاتش از او بیشتر است ولی آهم مباحی دارد که بکار وزارت بمحورود، از خارج مکرر نوشتند و خصوصاً هم خیلی ما هر دو گشتند شما چرا قبول وزارت گردید و این کار عاقبت وخیمه دارد، آنها را هم بواقع حاضر کردید رایچه استثناء بدون هیچ مخالفت بلکه با کمال موافقت، حدا خیر به همه کسانی را که بگذارند و نشد که نشد هر حال از تاوقت که این دومر بامم اتفاق داشتند بیک قوه کار ما پیشرفت میکرد، بوقت خبر شدیم که پارتن بازی میان این دو نفر را هم جدا کرد و سردار اسعد را برید بحجاب آقایان تندروان، مکرر گفتند که خوب است شما نه اعتدالی باشید نه انقلابی بلکه درونی باشید، بطاهر تصدیق داشتند ولی باز خلف باطنی با سپهبدار در میان بوده و هست، در خلال این احوال قصه اسباب جیبی آقایان طهران بدستور آقای بهبانی پیش آمد برای مقاصد شخصیه، و چون از سردار اسعد و تندروان مجلس مأیوس بودند با سپهبدار اعظم انجاد کردند، در این میانه

سردار محی هم بواسطه دل تنگی که از ار دوکشی ناقص آذربایجان از سردار اسعد حاصل کرده بود با مجامدین خودش که دسته قوی بودند هم دست آقایان و سپهبدار شدند، در این احوال سردار و سالار ملی هم که آمدند اول هر دو با سپهبدار بودند ولی بعد میانه آنها را هم دست پارتن بازی از هم جدا کرد سالار بحباب خود ماند و سردار بحجاب تندروان رفت و بازی انجمن احرار را در آوردند چراغ هم که وقت و مجلس در مقابل شرق و ایران نو خوب معرفی از خود کردند و مفصل آنچه مختصر عرض شد آشکار ساختند در این حال معلوم است همه بخود افتاده اند، تا کی بفکر کار بیفتند خلاصه نزدیک بود که کار بمجادله بکشد ولی باز بی عرضان و بی طرفان بگذارند و جلوگیری کردند بحال چند روری است که قدری از آن ضدیت علمی دست برداشته اند و آرام گرفته اند، وکلا ما بیکدیگر در ظاهر سازش نموده اند، ولی واقعت ندارد، وزراء بصورت باهم راه میروند ولی از روی بی اساسی تغییر این کابینه هم دوسه مجزور دارد، اول نداشتن وزیر و زربار رفتن هیچکس به قبول وزارت، دوم عنواناتی که برای این دو هر حاصل شده مانع است که ما وجود آنها دیگران قبول وزارت کنند، و عمده دست تنگی از آدم است، رجال قدیم عمره اول که مطرودند، عمره دوم هم که زربار میروند و جرئت میکنند این است که کارها در عقده تاخیر است

هر حال چیزی که مسلم است این است که ما وجود این تحریکات فوق العاده احاب خاصه در شمال و این احوال حضرة مجلس و کابینه و بی حالی و کسالت نائب السلطنه و اسباب جیبیهای علمای طهران و بی اطلاع بودن مرکز مقدس محف و سوء استعمال شدن آن قوه مقدسه و بی بودن کینه دولت و عدم مساعدت ملت نمیتوان حکم صحیحی در پیش آمد و آینده امور کرد، باز مگر چنانکه در هر موقع که کار سخت شد در طرف این سه چهار سال دیدیم دستی از عیب آمد و مدد کرد، حالا هم انتظار آن دست عیب را بکشیم، قصد مساعدت سپهبدار و سردار اسعد باروس وانگلیس بی ماخذ است نه کابینه نه مجلس هنوز روی اساس علمی نیست که بتوان

قیاسی برقهای سیاسی و اساسی پلیتیکی دول
متمدنه نمود بلکه اغلب دار مدار اغراض
خصوصی است .

در داخله مملکت بواسطه فتوحات اردوی تبریز قدری
امنیت حاصل شده است و امید است من بعد هم دوام
کند. بودن سپه دار و سردار اسعد در سرکار برای
امنیت داخلی مفید است و خروج آنها حالا شاید
قدری مضر باشد، چون انظار اهالی باشخاص است
و بس ولی روابط خارجه بی نهایت خراب است،
خاصه این ایام که خرابتر هم شده است .

رای وزراء و وکلاء درباره روابط خارجه دو قسم
است يك قسم میگویند جای احتیاط نیست و در مقابل
تحکات آنها جبارت لازم است چه اگر کلاه را
بدهیم که بروند نخواهند رفت و عبا را هم خواهند
خواست . و هم چرا . و آنچه را که در وقت
خواستن پیراهن خواهیم کرد بهتر این است که در
وقت خواستن کلاه بکنیم، و عقیده دارند که اگر
جدیت و ضدیت شود آنها از میدان خواهند رفت
و اگر اتفاق و اتحاد داشته باشیم و ملت هم کمک
مالی برای انتمام قشون مختصری با دولت بکند البته
حق بجانب این فرقه است، فرقه دوم میگویند که
باید طلبات آنها را کم و بیش قبول کرد، تا جایی
که ضرر باستقلال نرساند و آنها را برسایت خارج
کرد، اگر اختلافی در باب مسالك خارجی هست این
است، حالا قرار شده است کسیون مخصوص از مجلس
با وزراء بشینند و قراری قاطع در روابط خارجه
دهند تا نتیجه اش چه باشد، این است حال و کار، و
جمی هم با کمال سختی و شدت که صدمات و لطات
روزگار بر آنها رسیده است بدون هیچ عنوان و
بدون خواهش هیچ گونه اجر دنیوی سی میانند
و کوشش میکنند که بلکه این مشقتات را ملتئم کنند
و این سر بی سامان را به سامانی بگذارند افسوس که
عددشان کم است و مانع های بسیار در پیش دارند،

تلگرافات

(۱۴ رجب - ۲۲ جولائی)

دولت عثمانی به يك از مهندسين فرانسه امتیاز
تعمیر (۵۰۰۰) میل راه شوسه در داخله مملکت
داده است

مجلس ملی (پیوریا) تمام نگاه عالی آمین
مملکت خود را که طولاً (۴۱۱۱) میل میباشد
حکم داده با قوای برقی حرکت دهند

اعلیحضرت پادشاه و ملکه انگلستان جبه
ملاحظه دسته جبهزات جنگی (پیورنسموت)
رهسپار شدند

خبری که از (یکن) رسیده ظاهر میدارد
که در جواب عهد نامه (روس و ژاپون) دولت
چین نوشته که دولتین (روس و ژاپون) باید
فصل ۳ عهد نامه (پورنسموت) را هماره باید
مدنظر داشته باشند - بنابر این دولتین متعاهدتین
اقبال از تخلیه (منچوریا) نموده - دولت چین
نیز وعده کرده که در (منچوریا) حقوق
تجارتی حییج دول را بالمساواة منظور خواهد نمود
خبری که از اسلامبول رسیده ظاهر میدارد
که جماعت زیادی گرفتار شده اند که منجمه آنها
(رضا نور) يك از اعضای جماعت (احرار)
است

بموجب تلگراف (حانسبرگ) در حین عملیات
یکی از معادن ۱۵ نفر عملجات بومی هلاک و ۷۶
بومی با ۱۳ نفر انگلیسی مجروح شده اند

تحریکی را که از اعضای (احرار)
برای تخفیف دادن اخراجات شخصی اعلیحضرت
پادشاه انگلستان نموده بود منظور نیامد

حکومت انگلستان وکلاء ژاپونی را در (همین)
مدعو نمود (سرپر سکورت) رئیس مجلس و
(سرادوردگری) و سایر وزرا نیز سمت اشتراك
داشتند و سفير دولت (ژاپون مستر کتیو) هم
حاضر بود - نطق شاهانه بدین عنوان قرائت شد
در سنه ۱۸۸۱ سیاحتی که در ژاپون نموده بودم
فراموش نخواهم کرد، (سرادوردگری) حین صرف
جام صحت مهمان عزیز اظهار داشت که عهد نامه
(روس و ژاپون) جهوض اینکه خللی در اتحاد
دولتین (انگلیس و ژاپون) وارد آرد امید آنست
که مستحکمز و تأکید در قیام صلح نماید

(۱۵ رجب - ۲۳ جولائی)

جراند (آستریا و آلمان) عقیده خودشانرا
از قصد مسافرت رئیس الوزرای عثمانی در (آستریا)
چنین می نویسند رئیس الوزرای عثمانی نظر به انعقاد

عهد نامه (روترو و ژاپون) نموده طالب از دیاد روابط با دول تلافی شده است - روزنامهجات اسلامبول مینویسند که فعلاً علاحدگی دولت عثمانی لازم است تا بتواند قوای داخله خود را ترقی دهد -

§ در مملکت روسیه مرض وباء شیوع یافته -
فاصله ۲۴ ساعت ۱۲ نفر هلاک و ۴۵ نفر مبتلا -
و در (پترسبرگ) ۱۰۱ نفر زیر علاج اند
(۱۷ رجب - ۲۵ جولائی)

§ مخبر (روترو) از اسلامبول خبر میدهد که جشن سالانه سلطنت مشروطه دولت عثمانی با کمال تخم و تجمل انجام یافت دسته جبهات جنگی عثمانی که تحت امیرالبحر ویلمس بود توپ سلام شلیک نمود

§ | مستر بکستن | در جواب سؤالی اظهار داشت که خیال احمس تجارتی ایست که تعرفه جدید گمرکات به تجارت انگلیس نفع زیاد وارد تواند آورد این مسئله موضوع بحث و (سر ادوردگری) مشغول مخابره با دولت ژاپون است

تلسکرافات روتر راجع بایران
(۱۸ رجب - ۲۶ جولائی)

در شورای ملی انگلستان مستر ریس از وزارت خارجه سؤال نمود که آیا معاهده دواتین روس و انگلیس ایران را اجازه میدهد که امتیاز کشیدن راه آهن بدول دیگر دهد ؟ آیا حکومت میتواند بگوید که راه آهن بغداد تا کجا رسیده و چگونه است ؟ و نیز حکومت میتواند بیان کند که آیا سرمایه در شرکت کشیدن راه آهن بغداد را تا خلیج فارس مستعد است یا خیر ؟

§ مخبر (روترو) را از اسلامبول خبر رسیده که در (مقدونیا) از اهالی بلغار جبراً اسلحه گرفته می شود - دولت (بلغار) به بابعالی شکایت نموده بابعالی در جواب اظهار داشته که با مسلمانان و عیسویان یک نوع رفتار شده است - روز نامه (تین) در این خصوص عقیده اش ایست که جوانان ترک مداخلت در معاملات داخله را نتوانند پسندید - و این مداخله موجب هیجان دوات عثمانی خواهد شد

مستر مکن وود معاون وزارت خارجه جواب داد ، در باب سؤال اول چون مشغول مراسلات سری هستیم نمیتواند عقاید خود را طاهر سازد ، جواب از سؤال دوم این است که راه آهن بغداد از شعبات مختلفه بین (بخار و میسز) کشیده شده و سرمایه که این راه آهن را تا (الخلیف) بکشند تدارک شده است ، جواب سؤال آخری شما را فعلاً نمیتوانم داد

(۱۸ رجب - ۲۶ جولائی)
§ (رئیس جمهور امریکا مستر تفت) يك از حبشیان را رئیس گمرکخانه (جارج تون) مقرر نمود
(۱۹ رجب - ۲۷ جولائی)
§ (هرورث کیدران وینچتر) وزیر خارجه آلمان از (رومانیا) وارد (میرن باد) شده با (هرورون ابرنهایل) تا دیو باز مشغول گنگو و باهم عصرانه تناول کردند

(۲۰ رجب - ۲۸ جولائی)
موجب تلسکرافیکه از صهرات به پترسبرگ مخابره شده در کرمانشاه هنوز امنیت برقرار نیامده قزاقان محافظ قوسلخانه نمی تواند خویشان را در کوچه و بازار نمایان دارند ، و بر قوسل خانه روس شلیک هم شده است از اینرو رایحه ناپید محافظین قوسلخانها از (کاداربه) قشونی فرستاده خواهد شد

(۲۰ رجب - ۲۸ جولائی)
§ بموجب خبر اسلامبول دولت عثمانی اراده دارد دو جهاز کروزر که دارای قوت (۱۲۰۰) تن باشد به (۵۰۰) هزار لیرا خرید کند

(۴ رجب - ۳۰ جولائی)
حکومت کرمانشاه امنیت را برقرار داشته و خونی که بر روسیان بود مرتفع گردید
جبل المتین

§ روزنامهجات (بلغار) از جواب بابعالی درباره

واقفان رموز بخوبی میدانند که دوتلسکراف اول مربوط پدیدگر و فرض اصلی بخيال خود شاست

سد ابواب بر آلمان و جلوگیری از راه آمدن بغداد
 بایران است ، کابینه جدید البته ملتفت است که
 دولتین در مسئله امتیازات تا چه اندازه ما را در
 فشار می خوانند ، یاد داشتی که در این خصوص
 بایران شده علنی بوده معلوم می شود که مراسلات
 سری هم با ایران و هم بین دولتین روس و آلمان
 و انگلیس جاری است ، جواب معاونت وزارت
 خارجه (مستر مکین وود) اگرچه مذبذب و غیر
 منصفانه است ولی علناً عدم حقوق دولتین را در
 این موضوع تصدیق نموده است ، و هرگاه دارای
 حق قانونی بودند محتاج باین جواب مذبذب نمی شدند
 علاوه بر این جواب معاون وزارت خارجه انگلیس
 تصدیق می نماید که دولتین از روی معاهده ای که بین
 خود در ماده ایران نموده در این موضوع خاص
 دارای هیچگونه حتی نمیباشند و بر طبق آن معاهده
 نیز بر ایران فشاری وارد نتوانند آورد و جلو
 گیری از ایران و دول ساثره نتوانند کرد ، ولی
 در سدد هستند که سازشی دیگر نموده فشاری
 جداگانه بر ایران وارد آورده حق غیر مشروعی
 برای خویش پیدا نمایند ، آث یاد داشتی هم که
 بایران داده اند این نکته را تأیید میکنند ، بی
 غفلت ما ایرانیان و خیانت بعضی وطن فروشان و
 بی عاصی قانین مان از مقتضیات وقت اینگونه مواد
 استقلال ویران کن را برای ما تهیه می نماید ، با این
 خطیالات عمیقۀ همسایگان و موقع نازک ما پارتیهایی ناموس
 شکنانه در ایران تشکیل میشود ، حتی بر مقام منبع
 ریاست روحانی اسلام بقسمی کارها را مشتبه می سازند
 که آن تلگراف غیر منتظر از آن مرکز مقدس
 صادر میگردد ، افسوس که اعراض شخصی و
 بی اطلاعی از وضع زمان ما را باین مخاطرات دوجار
 می سازد

بالجمله دو هفته قبل روزنامه طمس لندن برای
 پیش بندی از اقدامات منجاوزه هم مسلک خودروس
 چنین مینویسد « ایل (کلهور) تحت امر داؤدخان
 ایلحانی خودشان در خارج کرمانشاهان شکست به لشکریان
 دولت دادند و دولت را در مخاطره انداختند ، و
 واپروتنی هم که از استرآباد وسیده معلوم می شود
 که ترکمانان شهر را محاصره کرده اند ، و در
 سلطان آباد جماعتی که محافظ راه بودند و از خدمت

علیهده شده و ژاندام های تازه بجای آنها فرستاده
 دست بقتل و دزدی و غارت دراز کرده اند ،
 نتیجه آن اشاعت تلگراف جدید است

کابینه جدید باید بداند که تمام این فشارها
 که دولتین میدهند ، برای جلوگیری از آلمان
 و تهدید ما از سازش با آن و گردن نهادن ملن
 بیاد داشت های استقلال ویران کن نه است ، ما
 نمیگوئیم در کرمانشاه یا جای دیگر اعتناش نیست
 ولی در علت اعتناش که سازش اجاب با خائنین
 جاهل مملکت است نیز شبه نداریم و این کابینه هم
 اگر مانند کابینه اول سرعوبیت اختیار نموده
 و جدیت در اخراج قشون بیگانه نماید نائل به هیچ
 پیشرفتی نتواند گردید ، و این را هم باید بداند که
 هرگاه در مقابل خواہشات آنها سر تسلیم خم نمائیم
 و بحیالات فاسده دوستی آنان را خواستگار شویم
 تا بقای آخرین نمطه استقلال ما قانع نخواهند شد ،
 پس آنچه بعد از سلب اقتدار در آخرین وهله
 باید نمود امروز اگر بشود بصره مقروء تر
 خواهد بود راه نجات ایران در پیروی از سه نکته
 است ، اول انتظام ادارات و وزارتخانهها بدون مستشار
 های خارجی صورت نه بندد و هر راهی غیر ازین
 بوئم آب در معاون سودن یا باد در غربال بستن است ،
 دوم - متحد ساختن ملت از جمیع طبقات بر علیه
 اجحافات همسایگان یگانه حفظ استقلال ایران و
 جلوگیری از تجاوزات بیگانگان مانا اتحاد ملی در
 حفظ حقوق خویش است ، چه با قوت اتحاد ملت
 هیچ قوت خارجی ولو هر قدر قوی باشد تاب
 مقاومت نتواند آورد ، سوم - اتحاد صحیحی با عثمانی
 و ازدیاد منافع آلمان در ایران بهر وسیله ممکن
 شود مایه فلاح و نجات ایران تواند شد هر قدر
 اتحاد ما با عثمانی و منافع آلمان در ایران زیاد شود
 و نفوذ وی بیش کرده از اجحافات همسایگان
 خواهد کاست

کابینه جدید بداند سلوک دوستانه این دو همسایه
 با بقای استقلال ایران منافی با پلٹیک آنانست هر قدر
 ایرانیان بیشتر اظهار معلق کرده و سردوستی باستان
 همسایگان غیر منصف و سیاسیون آدمی خوار باینند
 بر شدت اجحافات آنها و غلبت طبیعتشان خواهد افزود
 مقام منبع ریاست روحانی توجه فرماید که پیچیدن دو

مباحث الفاظ و پیروی نکردن از راه ناپیهای
واقفین و عدم ابراز فعالیت و قدرت خود را صرف
جزئیات نمودن نتیجه جز این نباشد که قشون بیگانه
از شرق تا غرب و جنوب و شمال ایران را احاطه
نمایند و روز بروز بر توسعه دایره خود بیفزایند
و مانند حلقه انگشتر شهر بای تخت را احاطه کرده
تا بیک گریه رقصان آن مرکز را نیز بپیچته تصرف
در آورند، افسوس که نمیدانیم و نه پیروی از واقفین
میکنیم!

حالا هم تکرار می‌نمایم که تا دست‌ان میرسد
از قوای ملیه و فوذ روحانیه خویش فائده برگیرید،
و نه تنها ملوم تاریخ دنیا خواهیم بود بلکه نزد
صاحب شریعت هم مقصر خواهیم شد -

(بچه نازدن به از شش ماهه افکندن جنین)
کابینه وزراء هرگاه جداً و سریعاً از اینگونه
پیش آمدها سیاسیه و غیر مرعوبانه جلوگیری نماید
در کمال سرعت با نامی سنگین دوره خود را خامه
خواهد داد

سر چشمه باید گرفتن به پیل
چو برگشت نتوان گذشتن به پیل

خلاصه نوجه اخبارات خارجه راجع به ایران

روزنامه (طمس) مورخه ۲۹ جون مطابق
۱۳ جمادی الآخر می نویسد - ذکاء الملک که یکی از
وکلاهی طهران بود ریاست دارالشورای ملی منتخب
گردید روزنامه (نیویورک) می روس تصفیه مجلس
را در خصوص اخراج نئی زاده تبریک میگوید و
امید می نماید که اخراج نئی زاده از مجلس سبب
ازدیاد روابط دوستانه ایرانیان با دولتی روس و
انگلیس گردد -

(منجستزگاردن) می نویسد خیل مشکل است
حفظ امنیت در ایران باوجود قیام قشون روس
در آن مملکت، حرکت یک افسر روسی که در
قشون روس در قزوین بود برخلاف دولت جدید
و اعلانیکه داده و خویشین را از طرف محمدعلی
و امپراطور روس تسلیم داشته دال است بر این
بیان، و نیز بروستی که از دولت ایران در ایخصوص
بسفارت روس شده بود که چرا قشون باسم گرفتاری
او فرستاده و جمله آنها بر قشون ایران که برای

جلوگیری سردار بانوی روس رفته بود و کشتن علی‌خان
امیر تومان سردار قشون ایرانی و گرفتاری جمعی
از افراد آن قشون نیز دلیل بر این اظهار است
افسوس که سکوت ما در این مواقع ما را در
الظار ایرانیان کتر از روسیان مخالف جلوه نمیدهد
ما راست که از حقیقت واقعه واقف شویم.

اخبارت بخوبی ظاهر میدارد که قیام قشون روس
ریشه کلیه فسادات در ایران شناخته می‌شود و همین امر
موت تکالیف زیاد و عدم پیشرفت دولت ایران
در انتظامات مملکتی گردیده است، اگر وزارت
خارجه ما عاجز است از اخراج قشون روس از
ایران اقلأً خوب است اهالی انگلیستان را از
اقداماتی که مدتها دارد ادلاع بخشد، عجب ایست
که در عوض اینکه وزارت خارجه ما اطلاعات صحیحه
به پارلمان بدهد تأیید مینماید در بعضی مواقع
اقدامات روس را، افسوس بیانات معاون وزارت خارجه
در پارلمان هیچگونه مدد دیرا بایران ظاهر نمیدارد!

دلیلی بست می نویسد بعد از مباحثات در مجلس
فصول ذیل برای استقراض داخلی تصنیف یافت (۱) وزیر
مالیه مجاز است که یک کرور سهام ده تومانی برای
ده کرور استقراض داخلی توزیع نماید (۲) این
استقراض به فرع سالانه صد مدهت بمدت ۲۰ سال شمسی
گرفته خواهد شد (۳) چهار صد و هشتاد و دو هزار
تومان سالانه به استهلاک اصل و فرع این قرض پرداخته
خواهد آمد (۴) ضامن ادای اصل و فرع این استقراض
همان عایدات خالصه جات دولتی خواهد بود و هرگاه
این عایدات کافی نشود از آمدنی تذکره نیز بر آن
خواهند افزود (۵) بنگ شاهنشاهی و شعبات آن
برای توزیع سهام قرض داخلی مقرر خواهد بود
و هرکس طالب خریداری سهام استقراضی باشد
میتواند باقی‌مانده ماه بپردازد و نیز چند نفر
به شرکت مینوانند یک سهم را خریداری نمایند -
(۶) وجوه استقراضی در معارف ضروریه ملکی
بامر مجلس و استصواب وکلا خرج خواهد شد و
کیسیون مرکب از هفت نفر برای تکراری محارج
این وجوه از طرف مجلس تشکیل خواهد یافت (۷)
برای ترتیب عایدات خالصه جات و رساندن اصل و
قرع بموقع خود وزارت مالیه مجاز است که بکنترل

مستخدم خارجی طلب نماید

اخبار (طمس) مینویسد تقی زاده سه ماهه از مجلس خواست رخصت نموده مجلس نیز قبول کرد یکی از جوانان آلمان مینویسد، آلمانیها فشارهاییکه دولتین روس و انگلیس به ایران آورده و مقاصدیکه آنها دارند بخوبی دانسته که سرتابا برای جلوگیری بود آلمان در ایران است، افسوس که رقبای ما ملتغبت بستند که جلوگیری از پیش آمدهای طبیعی و ترقیبات ضروری آلمان در آسیا محال و ممنوع است چه ترقیبات آلمان پایه اش بروی علم گذارده شده و هیچ چیز جز رتری علمی جلو ترقیبات آلمانرا نتواند گرفت. ملت آلمان که مشتاد ملیون میباشند و بزرگترین ملل عالم دنیا بشمار آمده و در صدی (۶۰) هر آنها اهل حرفه و صنعت اند با استخدام قوت و حرئت جلوگیری از ترقیبات آنها تواندهند ترقیبات آلمان از راه تجارت است و آلمانیان جز ترقی تجارت خویش و حساب ملل ضمیمه که آسم مبنی بر ترقی تجارت خودشان میباشد مقصودی ندارد تشبثات دولتین روس و انگلیس در وسط آسیا تاو عنکبوتی را مایه که سد حرکت قطار شدند قرار دهنده همین که راه آهن بغداد تمام شد ترقی تجارت آلمان در ایران حتمی و هیچ چیز جلو آرا نتواند گرفت و ما برای حفظ منابع تجارت خودمان ولو باستعمال سر بزم شد بجهت آزادی تجارت ایرانرا محوط داریم و عنقریب روسها خواهند داشت که اقداماتشان در ایران بی ثمر و نتیجه خواهد ماند و اسلاب کاریشان در زمانشاهان و آن بواج سبب حواسد گردید که عمانی را با کمال استقامت و قوت در جلو خود به بند دیگری مینویسد که تمام فشارهاییکه دولتین روس و انگلیس به ایران مآوردند و در این موقع سخت انقلاب و تبدیل حکومت او را بحال خود نمیگذارند تمام مبنی و خوبی است که از آلمانیان دامنگیر شان شده است، صفرا و کبراهای بلتیکی چیدن خیالات موهومی خویش را مجسم نموده میخوانند از این حالت ضعف ایران فایده حاصل نمایند و هزارها اکاذیب جعل نموده سازش موهومی ایرانیان را با آلمانیان بهانه کرده سعی اند به محو

استقلال این مملکت را نتیجه گیرند

سومی مینگوید خوف بزرگ روس و انگلیس این است که دولت ایران امتیاز ساختن راه آهن به آلمان دهد و حال آنکه ایرانیان مرکز باین خیال نبوده و قصد شان عالیه است، چنانچه از منابع موثقه خبر یافته ایم که ارباب یسار و صاحبان نفوذ ایران در صدد تشکیل یک کپانی بزرگ برای تعمیر دوشمبه راه آهن هستند که یک خط از شمال بجنوب و خط دیگر از مشرق بمغرب امتداد یابد و مواد راجحه باین کپانی هم گویا نوشته شده و عنقریب به مجلس ایران پیش خواهد شد، از جمله مواد آن یکی این است که خارجه میتواند شرکت در این کپانی نموده سهام آن را هر قدر بخواهند بخرند ولی صاحبان سهام هم را ایسکه خارجه باشد یا داخله بجهتور به پای بندی شرط این کپانی و امتیاز خواهند بود و برای این کپانی پنج نفر مدیر ایرانی و پنج نفر مدیر خارجی یکی از آلمان و دیگری از فرانس و سومی از امریکا و چهارمی از روس و پنجمی از انگلیس بگذارند و در بازارهای صرافان اروپا هم سهام این کپانی را بعرض فروش در آورند و عرضشان ازین ترتیب مایوس ساختن طماعین است و انظام کپانیهم باحتمار همان ده نفر خواهد بود در تحت قوانین مقررده دولت ایران و این اصول موقع خواهد داد برای هر قوم و ملت از انتفاع تجارتی در این امر و ابراز را هم از این کشاکش نجات خواهد بخشید و آنچه مسموع می شود هیچ یک از دول، مخالف با این اصول نمی باشند چه موقع شرکت به همه داده و ابراز هم فائده خود را حاصل کرده است

مکتبه الهلال

(بشارع النجالة بصر)

هی اشهر المکاتب العربیة و فیها من الکتب النفیسة ما یندر وجوده فی غیرها، ولها قائمة باسماء الکتب یرسل مجاناً لمن یرسلها، و الیک عنوانها باللغة الافرنجیة :

LIBRAIRIE AL-HILAL,
Rue Fagga a, Cairo Egypte,

PRINTED AT THE
L. MEDICAL COLLEGE STREET
CALCUTTA

نامہ مقدسہ

(هند و برمه)

(۱۲ روپیہ — ۷ روپیہ)

(ایران و افغانستان)

(۴۰ قرآن — ۲۰ قرآن)

(عجائی و مصر)

(۵ مجیدی — ۳ مجیدی)

(اروپا و چین)

(۳۰ فرانک — ۱۶ فرانک)

المبتدیان

سنة ۱۳۱۱

(کلیہ امور ادارہ با)

(مدیر کل مؤید الاسلام است)

(هر دو شنبه طبع)

(و شنبه توزیع میشود)

(بیمه دو شنبه)

(۹ شعبان المعظم ۱۳۲۸ هجری)

آقا سید جمال الدین الحجة - رحمة الله عليه



سیدالابرار ابوالاحرار خادم الشریعہ و حامی الطریقہ حضرت مستطاب حجة الاسلام
 این سید بزرگوار که از حد و آقی علوی عصر و سمت مصاعرت آیت الله طهرانی نوالله مرقدہ
 را داشت یا اینکه مزوی بودند خدمات بزرگ و زحمات بی شمار در طریق منروطیت متحمل شده حتی از بذل
 جانب عزیز خود در بیخ فرمودند چنانچه وقتیکہ بحکم محمد علی روز ۲۳ جادی دور مجلس را محاصره
 نموده و مانع از ورود مردم به مجلس شدند - این ذات بیہمال با ہر امان خود برای تأیید به مجلسیان
 حرکت فرموده همینکہ فراقاٹ مانع شده و جانب ایشان شلیک کردند سینہ بیکینہ خود را هدف کلولہ
 دشمنان ساختہ و بطرف مقصود رہسبار گردید - در آن روز صدمات و توفیناتیکہ بآن جسمہ زہد وارد
 آمد پیش از آن است کہ در این مختصر بکنجد - بعد از انہدام مجلس و صدمات درونی و برونی در
 وا بروی خود بستہ از معانرت مستبدین اجتاب فرمودہ - طاقت از آن صدمات و روحانی کہ بآٹ
 وجود مقدس وارد آمد باجداد ظاہریش واصل گردیدہ و عوام اسلامیت را بام خویش نشانند - ایرانیان
 راست صفتہ خلیات اینگونه بزرگواران را در طریق استقلال وطن اسلامیاتان فراموش نموده بازماندگان
 اند

تذکرات روتر راجع به ایران

(عشره شعبان - ۷ آگست)

امروز در طهران جنگی پیش آمده، چه فدائیان از حکم دولت که سپردن سلاح باشد امتناع ورزیده، قاضی فدائیان را در باغی محاصره و پس از شلیک با توپ و تفنگ فدائیان باروئسای خود (ستارخان و باقرخان) تسلیم شدند، دولت در اطراف مجلس قبل از وقت قشوق گذارد، پوم قبل صد نفر قزاق ایرانی وارد شهر شده و از آن بعد تخته بریگاد قزاق با توپهای مسلسل وارد گردیدند ستارخان آلمان و عثمانی خواستند در میان اوقساد صلح دهند ولی حکومت اطهار داشت که بلاواسطه فیصله امر را خواهد نمود (مارشل لا) قانون نظامی در شهر جاری است

(۲ شعبان - ۸ آگست)

بموجب تلگراف جدید مجروحین و مقتولین دولت در این جنگ ۱۲ و مقتولین و مجروحین فدائیان می فر بشمار آمده و (۳۰۰) نفر آمان دستگیر شده اند، خیلی از فدائیان اسلحه خود را در دریاچه ریخته که دولت مشغول حالی نمودن آب اوست - بعضی را عقیده ایست که وقار حکومت تازه از این اقدام مجذبه زیاد گردیده

(۶ شعبان - ۱۲ آگست)

سلوک حکومت با فدائیان مورث هیجان زیاد در طهران نگردید، اگر چه تا کنون حصه از بازارها بند است

جبل المتین

(من گنگ خواب دیده و عالم تمام کر)

(من عاجزم زگفتن و خلق از شنیدش)

این حادثه غیرمتزقه خصوصاً با تلگراف تعهد ستارخان با سایر سرداران ملی که یوم قبل از جنگ (روتر) اشاعت داد منای و مایه تعجب بسیاری از سطحیان تواند گردید ولی واقعان رموز این واقعات را قبل از وقت خوانده و دیده بودند، بهترین تشریح این تلگرافات همانا عقیده یکی از سیاسیون است که چندی قبل اظهار فرموده

(مقوله یکی از سیاسیون)

امروز وسط آسیا زور خانه پهلوانان سیاست یعنی (روس وانگلیس و عثمان و آلمان) است،

چون ایرانیان واقف بمواقف عصر نیستند و از ادراک خیر و شر خویش عاجز، ندانسته آله پیشرفت اغراض پهلوانان سیاست میگردند می مشت است که بر کله یکدیگر میگویند و چنان تصور میکنند آنها کوفته و بر خصم خویش تفوق جسته اند، ولی رموز دامان میدانند که کوبنده دیگر و فتح وطنر سیاسی را دیگران برده اند، کودنی ایرانیان را همین يك نکته کافی تواند بود که بالغ بر هشتصد سال است در مثنوی حکایت سید و ملا و تاجر را خوانده و ورد زبانشان است، ولی بدبختانه واقعات آن که همه روزه آنها را بش میآید می بینند و نمی فهمند، من چه گویم در همه ده زنده کو

وقتی که در عقیده آن مرد با سیاست بنگریم و با واقعاتیک بی دربی پیش آمده مقایسه کنیم خواهیم دید که سحنی با درایت و فرمایشی با سیاست است، بعد از ورود قشون روس به تبریز که قصد گرفتاری ستارخان و باقرخان و قتی زاده و غیره نموده شد ملت به قوسول خانه عثمانی شدد از آن بعد رنگ دیگر ریخته خواست قوه دولت آنها را مغلوب سازد و در حقیقت سعی بود که بلکه بتواند آمان را مخالف با دولت کرده نیکنای شان و توجهیکه جمیع نفوس ایران باین دوات دارد مرتفع سازد دسایش کارگر بیوتاده، ستارخان و باقرخان بایغرض هجرت از آذربایجان نمودند که بهانه روسیان مرتفع شده قشون خویش را از آذربایجان برکشند، بدبختانه همینکه به طهران آمده، اجبارات روسیه نوشتند که ورود آمان بطهران مرید بر خوف روس در اسلاب طهران شده از اینرو نمیتواند قشون خویش را از قزوین حرکت دهد و قشون تبریز را نیز بهمان حال نگذارند، این آخرین بازی بلقیلی آمان بود که بخیمال خود به مقصود بایل آمدند از این بیان چنان مفهوم نشود که عقیده ما ایست که کابینه جدید این حرکات را باشاره روسها کرده و یا فدائیان تمرد از حکم دوات و مجلس نکرده اند، بلکه عقیده ما اینست که اعم بر دولت و فدائیان هر دو نادانسته و نافرهمیده آله پیشرفت اغراض پهلوانان سیاست شده اند، ما از نثار سردارین قانچین و مخالفت ستارخان و باقرخان و مشارکت پارتیهای دیگر با این و آن و قتل چهره الاسلام بهمانی و اخراج قتی زاده از مجلس

که بدون ضمیمه يك وزارت اسمی بلامسمی میباشد
اکتفا فرموده اند و چون عهده دو وزارت خالی
است ، یکی وزارت تجارت و دیگری وزارت ماریف
و فواید عامه شاید یکی از این دورا برای خودشان
قبول فرموده باشند ، ما عقاید خودمان را نیز در
حق این کابینه جدید محفوظ داشته تا بحول و قوه
خداوندی پس از ابراز تعالیت کامله که منتظر هستیم
اظهار داریم

(۱۲ آگست)

مخبر (روز) خبر میدهد که کابینه جدید وزرا
جلب مستشارهای خارجی را از این قرار تصویه نموده اند
مستشارهای فرانسوی برای انتظام و ترقی صوب مجت
که راجع بوزارت داخله است
مستشارهای ایتالی برای انتظامات پلیس و ژندارمی
مستشارهای مصری برای انتظامات عدلیه

این تصویه که برای جلب مستشارهای خارجی
شده اگر مثل لفاظی های وزرای سابق نباشد
خیلی ما را بکابینه جدید امیدواری میدهد ، خصوصاً
برای عدلیه که ابواب همه گونه اعتراضات را بسته
و در حقیقت بواسطه املاعات باصول مذهب اسلام
بهترین مستشارها با مقتضای امروزه برای عدلیه همانا
از مصر است و ما میتوانیم بگوئیم که عدلیه مصر
هیچگونه کی از عدالت نامه های اروپا ندارد ، امیدواریم
که مستشارهای مالیه را نیز از دول بیطرف عالم
عاجلاً جلب نموده تا حیثیت مالی دولت که اهمیتش
از کابینه ادارات بیشتر است بلکه روح جمیع ادارات
است منظم گردد ، و ره پس از چندی تمام رشته های
کابینه ببه خواهد شد

منافع خارجه در ایران

از مسلمات اولیه است تا وقتی امنیت در
مملکتی قائم نشود هیچگونه فائده برای خارجیان
متصور نیست و این هم بدون تردید است که منافع
تجارتی و سیاسی دولتین روس و انگلیس از سایر
دول در ایران امروزه بیش میباشد از این رو
میتوان گفت که فقط منافع دولتین در سایه امنیت ایران
حاصل تواند گردید ، و امنیت ایران هم منحصر بر
این است که دولتین روس و انگلیس قشون خود را
سریعاً از ایران کشیده و مداخلت های استقلال
شکنانه را ترك گویند ، دولتین این نکته را باید بدون

بهیچان آمدن مقام منبع ریاست روحانی اسلام و
گفتگو های باقر خان در حق شش نفر وکلاء و
تهدیدات بر مجلس و و و مسبقیم ، ولی باز هم
میگوئیم که تمام این رنگهای است که بهلوانان سیاست
بآب زده تا ما تلون مزاجان را بالوان مختلفه مشغول
به یکدیگر ساخته و هنوز هم دارند می سازند و
خواهند ساخت و تاوقتی که ما بی بحیثیت امور نبرده
و بهلوانان سیاسی را از خود مایوس نسازیم همین
آش مان در کاسه خواهد بود

(بازی جرخ بشکنش بیضه در کلاه)

(برآ نه عرض شنبه با اهل راز کرد)

چون هنوز از مرا کتر نمونه اخبارات صحیحه
این واقعه با رسیده نمیتوانیم از روی اطمینان قلب
برده از روی کار برداریم و فقط تشریحاتی که دو
تلگرافات فوق بنظر میرسد مینگاریم ، نظر به
تلگراف يك روز قبل از جنگ میتوان تصور
کرد که اسم ستار خان در این تلگراف سهو بلتیکی
باشد و نیز اسمیکه از سفارت عثمانی و آلمان
آورده شده میخواهد ظاهر نماید که مهیج فدائیان
همان دولتین آلمان و عثمانی بوده اند و گویا فتح
بلتیکی خود شان را بر بارتی دیگر اشاعه میدهند ،
و نیز در این تلگراف با برده شبهه میآید از آنکه
فدائیان قصد حمله بر مجلس داشته اند و از این رو
دولت در حول وحوش مجلس قشون گذاشته بود
و ما خیلی از مطالب تلگرافات فوق را بلتیکی میدایم
از این رو رأی خویش را محفوظ داشته تا بموقع
(خود اظهار داریم

(کابینه وزرا)

آقای مستوفی الممالک رئیس الوزرا ، شاعرزاده
فرمانفرما وزیر داخله ، حسین قلی خان نواب وزیر
خارجه ، قوام السلطه وزیر جنگ ، اسدالله میرزا
وزیر پست و تلگراف ، دبیر الممالک وزیر عدلیه ،
حکیم الممالک وزیر مالیه

طرف غالب ازین هیئت کابینه از وکلای مجلس
و متوسطین از رجال اند و ما امید میکنیم که این
هیئت میتواند از عهده خدمات مرجوعه بهتر از
رجال نمره اول بیرون آیند و استقلال وطن
محبوب خویش را حفظ نمایند ولی نمیدانیم به چه

«ماده ایرانیان مکرر بخوانند»

(لایحه هیئت علمیه نجف اشرف)

قاطبه برادران ایمانی و اخلاء روحانی و قلم‌الله‌کبد
 اعدائهم ، را اعلان میشود ، از اول زمان
 بیداری ملت ایران و درخواست نمودن مشروطیت
 دولت علیه را حضرات آیات الله دامت برکاتهم بر حسب
 آنچه در ذمه داشتند از نگهبانی و حراست آئین
 احدی خود داری نکرده و هرچه مقتضای وقت
 بوده از بیان احکام الهی عزاسمه و مواعظ بلیغه
 و تبیین غفابین و ارشاد جاهلین و تهدید انحرار و
 توییح مفسدین و اعانت مجاهدین و ارائه طریق
 بکارکنان ملت و سنارشات باولیاء دولت بعمل آورند
 درحالتیکه هیچ نقطه از معموره های کره خالی از
 اوراق تلگرافی و احکام کتبی و دعوات بمعونه آنها
 نبود. بازهم مفسدین در مقام القاء شبهات عوام فریب
 بر آمده همان احکام مطاعه مصرحه بلروم مشروطیت
 دولت علیه ایران و اطاعه عامه مردم از مجلس شوری
 ملی شیدالله ارکانه را جور دیگر ارائه میکردند و
 افتراهای رنگارنگ با آیات با مره حق جل و علا
 بستند و هر روز اسباب درد سر فراهم و مردمان
 فقیر را دچار مخاطرات عدیده میکردند. تا آنکه
 بحمدالله بمقتضای و مکروا و مکرالله والله خیرالماکرین
 تلبیسات آنها نمری نکرد و عامه مردم احقاق حقوق
 مشروعه خود کردند و کعبه آمال ملت دارالشوری
 ملی در نهایت قدرت و فعالیت برپا شد و انحرار
 و قطاع الطريق از جنوب و شمال سرکوب شدند و
 بهانه اجانب قطع گردید و ایکن چون اول هرکاری
 حالی از عیوب و اشکالات نیست ، سیما اداره شدن
 یک دولتی که سالهای سال بطرز استبداد و فعال
 ما بشائی تربیت شده و عامه ملت در بحر جبرالت
 غوطه ورنند و فقر و فلاکت آنها را مهوت کرده
 و دشمنان جنوب و شمال با نهایت قدرت دامهای
 مکاید خود را در اطراف گسترده اند ، اسباب عدم
 انتظام امور را بخوانم و اکل فراهم کرده اند و
 لذا هر روز شکایات عدیده از اطراف بلدان از
 بی انتظامی ادارات و تعدی بقیدالسیف منتقدین سابق

عبودیت دولت خارجی را بگردن نخواهند گذارد
 و هر قدر خارجیان در زیادتی خود بکوشند نفرت اهالی
 زیاد خواهد شد و هر چه بر نفرت اهالی بیفزاید حالاً
 و مالاً از نفوذ و منافع آنان خواهد کاست و ممکن
 است که درین مناقشه ایرانیان ناچار بتوسل دیگران
 شده صلح عمومی را تبدیل بجنک عمومی سازند ،
 کابینه جدید راست که این نکات دقیقه را بکله
 دولتین جای داده منافع جلب قلوب ایرانیان را به
 آنان ظاهر نموده جداً بخوانند که قشون خویش
 را کشیده ترک مداخلت های غیر مشروع نمایند و
 هرگاه باین مسلک سیاسی که بیشتر نافع بحال خود
 شان است همراه نگردیدند بدون نسل و تسامح
 مجلس مقدس و ملت ایران را از خیالات آنان
 مطلع سازند و یقین بدانند که هرگاه کابینه با ملت
 همراه و مقام منبع ریاست روحانی اسلام نیز نایند
 آنان را بمانند اتحاد طیبی در جمیع طبقات ملت
 حاصل خواهد شد و با اتحاد ملت هیچ قوت خارجی
 مقاومت نتواند کرد ، شک نیست که در مقاومت
 سبیمی ملت در برابر اجاب ممکن است تا درجه
 هرج و مرج بالا گیرد و برخی زیانات آنی پیش
 آید. ولی مالاً برای ملت نافع و بگانه حافظ استقلال
 ایران همین نکته است و بس و نیز هرگاه متجاوزین
 بحقوق ایران مراعات دوستی و همسایگی و ملاحظه
 منافع تجارتی و سیاسی خود را بمانند ناچار به تشبثات
 سیاسی دیگر هم باید دست زد ، یعنی تشکیل یک
 رقابت سیاسی در جلو متجاوزین نمود

خوب است این نکته را در کله روسیاست
 جای دهند که امروزه مقتضای سیاست دنیا ملک گیری
 نیست و تجاوزات صد ساله روس نفرتی در قلوب
 ایرانیان تولید نموده که غیر ممکن است گردن به زیر
 کند اطاعت روس نهند ، فقط امروزه منافع روس
 و انگلیس در جلب قلوب ملت ایران است و بس
 و هراقدمی که برخلاف این مسلک اختیار نمایند
 ولو بنا بطاهر منافع عاجل در آن تصور شود
 قطعاً زیان آجل او برای آنان بیش خواهد بود
 کابینه جدید راست که لا اقل این قدر ترک
 مرعوبیت سیاسی کرده از روی ملاحظه بلبتیک این
 مسائل را بی برده در کله همسایگان جای دهند

و تحمیلات غیر مترقبه بحضور با هراتور حضرات آیات الله دامت برکاتهم رسید
 آن وجودات مقدسه هم بر حسب وظیفه خود تلگراف بتوسط حضرت اجل اشرف ناصر الملك باولید ای امور فرمودند، چون عین آن تلگراف طبع شده و منتشر گشته باز بنا بر و تیره سابق چنین مذکور میشود که از گوشه و کنار آشوب طلبان مفسدات تلگراف را که بجهت تشدید مبانی مشرومیت شده بر مردمان ساده لوح جور دیگر اراء می کنند و هنوز هم مابوس از افساد نشده اند و آن خیالات خام از سر آنها بیرون نرفته و لذا این حادمان شرع احدی عموم برادران خود را آگاه مینمایم که بر حسب عین همین تلگراف و سایر احکام مطاعه کتبی و تلگرافی رؤسای روحانی دین حنیف اسلام بر عامه مسلمانان واجب و لازم است که نهایت جد و اداعت و همراهی از مجلس شوری ملی شیدالله ارگاه داشته باشند، و رفع نواقص خویش را در آن مقام منبع درخواست کنند و هیچ گونه خودسری که موجب بهانه اجانب و بباد رفتن استقلال سلطنت شیعه است نمایند و ملتفت مکاید متسدین بیدین که هیچ غرضی جز بباد دادن دین و دوات ندارند بوده باشند، که مبادا مردمان سطحی نظر را اعوا کنند و تجدید مطلبی نمایند، کما اینکه عامه ایرانی نژادان غیور باید ملاحظه نمایند که امروزه استقلال این سلطنت و حفظ آن از تعدیات همجواران طماع منوط و متوقف بر تشکیل افواج نظامی مرتب و تهیه استعدادات مقتضی این عصر میباشد و آن ممکن نشود مگر باز دیاد قوه مایه، رونق نگیرد مگر بحمل عموم تبعه ایران تحمیلات را که وکلا، ملت صلاح دید نمایند، و الا اگر اقتصار بر مالیات سابق شود همان آتش است و همان کاسه، برماز باید هیزم شکنی کند و توجیح قضای کند و مأمورین ادارات داخله و خارجه بدزدی و تقلبات امورات خود را بگذرانند و مرام حضرات آیات الله دامت برکاتهم در این دست خط مبارک تلگرافی که شکایت از تحمیلات فوق الطاقه فرموده اند آنستکه عامه مردم عرضه داشت بحضور مبارک آنها نموده اند که تحمیلات زیاد میشود و در بین کافیه السابق راه زمان دولت و ملت حنیف و میل میکنند و هیچ بکار اصلاح مملکت صرف نمینمایند

و لنا تو بیخ فرمودند، و الا اگر معلوم شود که تمام این وجوه مایه صرف حفظ بیضه اسلام و استقلال سلطنت شیعه میشود هیچ اشکالی در وجوب دادن آن وجوه نیست، بلکه اگر حفظ این سلطنت توقف بر اضعاف مضاعف این تحمیلات داشته باشد بلایب وجوب التزام باآرا بر عامه مردم اعلام خواهند فرمود و تخلف از اداء آنرا از موفقات کبیره خواهند شمرد، چنانچه در دستخطهای مبارکه کرا را مرقوم فرموده اند و معانده با این اساس مقدس را محاربه با امام زمان قرار داده اند

چه خوش است که مردمان باهوش ملاحظه برادران اسلامی خود را که در قفقازیه و هند و غیرها هستند بفرمایند که در تحت فشار سلاطین کفر متحمل چه تحمیلات فوق الطاقه میشوند بدون آنکه از احدی از آنها ناله و معانی بر آید بلکه همگی متشکر و دل خود را خوش کرده اند که در عروق و اعصاب آن ممالک قوای برقه جاری است و کارخانه های بحاری درکار است، اگرچه امور مذهبی نسبتا منسیا شده و شمار دینی مالر از میان رفته، پس در صورتیکه سلطنت شیعه با غایت مراقبت و حفظ اساس مذهبی و نهایت رعایت بر اجرای قوانین الهی توقف بر نصف آن تحمیلات داشته باشد بدیهی است که چه قدر تشکر دارد و عامه مسلمانان ما متها درجه امتنان باید در ادای آتش حاضر باشند و تسابق بر یکدیگر بچینند که انشاء الله بهر همراهی مسلمانان عبور این دوات ابد مدت روز بروز بر شوکت و اقتدار خود بیفزاید و در ترویج صنایع و علوم و تربیت عموم تبعه کوشش و اجتهاد نماید تا آنکه باندک زمانی فضایی ترقیات محیر العقول ژاپوت را از صفحات تاریخ ترقی عالم نسخ نموده ذکر جمیل خویش را شمع محفل سیاسیون عالم قرار دهند
 غره شهر رجب (هیئت علمیه نجف اشرف)

جبل المتین

این لایحه از هیئت علمیه نجف اشرف که تمام اعضای از مجتهدین عظام و طراز دوم علمای اعلام و از تلامذه بزرگ حضرتین آئین و دست و بازو و پشت بنای اسلامند برای رفع شبه از سوء فهمیکه مستبدین میخواهند از تلگراف حضرتین تولید بنمایند (و بدین ملاحظه ما نیز عن تلگراف

که مشید ارکان مشروطیت بوده درج نمودیم (با اداره فرستاده ما نیز عیناً درج نموده از تمام همقلبان محترم خود خواهنش مینمائیم که به اولین وهله به نقل و نشر این لایحه بپردازند

و ما با کمال ادب از هیئت علمیه مسترحیم که درین موقع اهم که استقلال این سلطنت اسلامی متزعزع است و دشمنان اسلام چهار اسبه در عطف توجه عامه از مشروطیت و انداختن اختلاف بین ملت با دوات و بدنام نمودن مجلس مقدس دوازده عوام کوشانند هر حکمیکه در این موضوع خاص از ناحیه مقدس آیتین میبایست صادر شود سی نمایند که در عبارات آن تولید سوء تفهم نشود که مردم عوام و دسایس و وسایس مستبدین و دشمنان دین هم در مان است امروزه استقلال ایران بموتی آویخته

ما که اول علمدار مشروطیت اسلامی هستیم و از اوضاع ایران بخوبی واقف و از سیاسیات همایگان کا هو حقه مطلعیم با یک التجیه اسلام خواهانه از مقام منبع ریاست روحانی اسلام استدعا می نمائیم که مدلسین بسیار و دشمنان اسلام بشارند، امروز ملاحظه مقتضای وقت حتی مذاقه در الفاظ صادره از آن مقام منبع برای عدم تولید سوء تفهم در عوام لازم است و نیز عطاب توجه مقام منبع ریاست روحانی اسلام و هیئت مقدسه علمیه محض اشرف را ماخراج قشون بیگانه از ایران جلب مینمائیم و میگوئیم که درین موقع تبدیل کابینه و بروز خالصیت در امنیت مملکت تأییدات مقام منبع روحانی اسلام اشد ضرورت را دارد و هرگاه این موقع مقتضی را از دست بدهند خدای نخواستہ روزی آید که پشیمان شویم در حالتیکه پشیمانی را سودی نباشد

امروز مقام منبع ریاست روحانی اسلام راست که جداً از کابینه جدید اخراج قشون بیگانه را از ایران خواسته و بهر گونه تأیید ولو برفتن ایران و بلند نمودن علم دفاع اسلامی الطمینان فرموده هیچگونه باید عذری از کابینه نه پذیرد و بدانند که قشون بیگانه از روی لزوم به ایران نیامده که من غیر لزوم خارج شوند و تا وقتیکه جدیدیت در ملت و دولت دیده نشود قشون خود را بیرون

نخواهند برد و جدیدیت ملت و دولت منوط به جدیدیت مقام منبع ریاست روحانی اسلام است . قبل از اخراج قشون بیگانه از ایران هر اصلاحی که در شرعیات و هر اقدامی که در ترقیبات اسلامیہ بشود نقش بر آب و حکم سر آب را دارد ، (خواه از پای بند و بران است)

امروزه مدلسین و جاسوسان همسایگان خارجه برست راه دخالت اجنیدان را درین دیده اند که از یکطرف اگر بتوانند عامه ملت ورنه یک شعبه از آنها را برخلاف و عناد مقام منبع ریاست روحانی برانگیزند و مقام منبع ریاست روحانی اسلام را نیز از اوضاع کنونی بیزار ساخته هرج و مرج در مملکت و اختلاف کله در ملت انداخته بذریعه همان دست های داخلی به بیگانگان هانه داده استقلال مملکت را از بین برانید ، ظاهر است که در آن صورت همه باختیم حتی مقام منبع ریاست روحانی پس، صادر امور و اولیای امور جمهور راست بی بدسایس بیگانگان برده درین موقع نازک دست اتحاد بیکدیگر داده بدو اساس استقلال ایران که در اخراج قشون بیگانه است بایدار کرده سپس هرگاه نواقص جزئیہ در بین دیده شود دفع و رفع نماید - مستبدین بیگانه برست هرچه تیر در ترکش داشتند از قبیل رحیم خان و داراب میرزا و و بکار برده بمحمدالله کارگر نشده است این آخرین تیر زهر آلود شان بوده که به استقلال وطن اسلامی ما برتاب نموده بخپال خود مصمم شدند که اختلاف کله در ملت انداخته تولید هرت از اوضاع جدید در مقام منبع ریاست روحانی اسلام نمایند ، بمحمدالله والله که آهم کارگر نگرید ولی باز هم میگوئیم که (دشمن نتوان حقیر و بیچاره شرد)

مستبدین تا جان در بدن دارند در برهم زدن این اساس مقدس بذریعه خودی و بیگانه کوماهی نخواهند نمود -

مقام منبع ریاست روحانی اسلام که مؤسس این بنای سعادت و ترویج شریعت است که بدسایس مدلسین یک مرتبه قافیه را بساخته و تیرهای سهمگین خودشان را که باید بمقامات بسیار اهم مخالفت دشمنان دین و دولت بکار برند بموقع صرف فرماید